

تحلیل حقوق کودکان در دفاع مقدس
بر مبنای کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق کودک و دیگر اسناد بین‌المللی
با تکیه بر جنایات رژیم عراق در بمباران مدارس شهرهای ایران
مسعود اخوان فرد^۱؛ حامد احمدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۰۱

چکیده: با شروع جنگ تجاوزکارانه عراق علیه ایران، حقوق کودکان مورد نقض و تهدید جدی قرار گرفت. کودکان افزون بر حقوق مصرح در اسناد حقوق بشر، از حمایت‌های خاص حقوقی در نظام بین‌الملل نیز بهره‌مند می‌شوند که کنوانسیون‌ها و اسناد مختلف آن‌ها را شناسایی و بر اجرای آن تأکید کرده‌اند. برای نمونه، کنوانسیون حقوق کودک به مثابه سند بین‌المللی معتبر، ضمن بیان تعریفی از کودک، حقوق وی را در حوزه‌های مختلف شناسایی و بر آن تأکید کرده است. از مهم‌ترین این اسناد حق حیات، بقاء، رشد همچنین آموزش کودک می‌باشد که رژیم بعثی عراق با بمباران مدارس شهرهای مختلف ایران آن‌ها را نقض کرده است. بر این اساس، پژوهش حاضر اهداف ذیل را فراروی خود قرار داده است، نخست: تبیین وضعیت مسئولیت بین‌المللی رژیم بعثی عراق در قبال بمباران مدارس مختلف شهرهای ایران در هشت سال دفاع مقدس؛ دوم: بررسی موارد نقض حقوق کودکان به خصوص بمباران مدارس شهرهای مختلف کشور در چارچوب تجاوز رژیم عراق به تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران. این پژوهش، در زمره تحقیقات بنیادی نظری به شمار می‌رود. در روش تحقیق نیز از اسلوب توصیفی تحلیلی بهره‌گرفته، در جمع‌آوری داده‌ها به منابع کتابخانه‌ای مراجعه شده است.

واژگان اصلی: کودک، بمباران مدارس، کنوانسیون حقوق کودک، حقوق بشر دوستانه، دفاع مقدس.

^۱ استادیار گروه حقوق دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران

^۲ کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

مقدمه

اقدامات نظامی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول و قواعد حقوق بین‌الملل از مصادیق بارز جنگ تجاوزکارانه به شمار می‌رود. هر چند رویکرد جامعه بین‌المللی همواره، ممانعت و اجتناب از اعلام رژیم عراق به عنوان کشور متجاوز بوده است، لیکن به موجب برخی از آراء و اسناد بین‌المللی، به خصوص آراء دیوان بین‌المللی دادگستری و گزارش دبیر کل وقت سازمان ملل متحد در خصوص کشور آغاز کننده جنگ، رژیم بعثی عراق بی تردید آغازگر جنگ به شمار می‌رود. در این جنگ، برخی کودکان قربانیان مستقیم و گروهی دیگر به دلیل آوارگی و بی سرپرستی، قربانیان غیرمستقیم جنگ شدند. در این حال، از جمله جنایات آشکار رژیم عراق، بمباران مدارس شهرهای مختلف ایران است که طی آن حدود ۱۹۲ مدرسه هدف قرار گرفت و تعداد زیادی از دانش‌آموزان زخمی و کشته شدند. شهرستان میانه در آذربایجان شرقی و شهرهای کرمانشاه، بهبهان، بروجرد، نهاوند و... از جمله مناطقی بودند که مدارس آن‌ها به شدت آماج حملات موشکی و بمباران هوایی قرار گرفت. بررسی نقض حقوق کودکان در حوزه‌های مختلف و تبیین دقیق موارد آن در چارچوب قوانین و مقررات بین‌الملل، به ویژه کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک از جمله مسائل اساسی این پژوهش به شمار می‌رود. از سوی دیگر، با توجه به اینکه رژیم عراق همواره کوشیده است به منظور توجیه اقدامات تجاوزکارانه خود علیه تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران به مفهوم دفاع مشروع^۱ استناد نماید، اهمیت و ضرورت پرداختن به پژوهش حاضر بیشتر آشکار می‌شود. همچنین فقر مطالعه و پژوهش مناسب و کافی در حوزه مخاصمات مسلحانه ایران و عراق و تحلیل حقوقی - بین‌المللی جنایات رژیم بعثی عراق، باعث شده است که در برخی موارد رژیم عراق اتهاماتی بی اساس را به جمهوری اسلامی ایران وارد کند، از جمله در زمان حکومت صدام در عراق، مسئولان این کشور ادعا کردند مدرسه‌ای به نام بلاط الشهداء هدف حمله ایران قرار گرفته است و تعدادی از دانش‌آموزان این مدرسه کشته شده‌اند. با وجود این، مقامات عراق هیچ گونه سندی برای ادعایشان ارائه نکردند. بر این

۱ Self Defense

اساس، می‌توان مقدمات طرح مسئولیت کیفری و مدنی کشور عراق را به دلیل نقض حقوق کودکان واکاوی و بررسی کرد. با توجه به مسائل یادشده، سؤالات و فرضیات پژوهش به شرح ذیل است:

سؤال اصلی:

بمباران مدارس مختلف شهرهای ایران توسط رژیم جنایت کار بعثی عراق بر کدام یک از حقوق کودکان، مندرج در اسناد بین‌المللی تأثیر گذاشته است؟

سؤال فرعی:

آیا بر اساس قواعد موجود در اسناد و مقررات نظام حقوقی بین‌المللی، می‌توان رژیم عراق را مسئول ارتکاب جنایات در بمباران مدارس ایران دانست و بدین سان مقدمات طرح شکایت و جبران خسارت را در مراجع صلاحیت دار فراهم کرد؟

فرضیه اول:

جنایات رژیم عراق در بمباران مدارس مختلف شهرهای ایران، موجب سلب و نقض حقوق کودکان در مواردی متعدد از جمله حق بقاء و رشد (ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک)، حق آموزش و پرورش (ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک)، شرکت نداشتن کودکان در درگیری‌های مسلحانه (ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک) و... شده است.

فرضیه دوم

بر اساس موازین و قواعد نظام حقوق بین‌الملل که در اسناد متعددی از نظم حقوقی حقوق بین‌الملل ذکر شده است، جنایات رژیم عراق در بمباران مدارس شهرهای ایران که باعث سلب یا تضییع حقوق کودکان شده است، اقدام ناقض حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و حقوق کودک به شمار می‌رود؛ از این رو، طرح مسئولیت بین‌المللی رژیم عراق در این خصوص قابل بررسی و پیگیری است و می‌تواند زمینه مطالبه آن‌ها از طریق مراجع قضایی صالح بین‌المللی را فراهم آورد.

کلیات تحقیق

در جامعه بین‌الملل به دلیل نبود قدرتی فرا ملی و رشد نیافتگی نظام حقوقی، دولت‌ها برای دست یابی به هدف‌هایشان به راه‌های گوناگون، از جمله به کار گرفتن زور متوسل می‌شوند. این کاربرد زور شکل‌های گوناگون به خود می‌گیرد (طارم‌سری، ۱۳۶۶: ۸).

در حقیقت، جنگ یکی از جلوه‌های بارز توسل به زور به شمار می‌رود. فرهنگ اصطلاحات حقوق بین‌الملل توسل به زور را در دو مفهوم موشع و مضیق تعریف کرده است. در مفهوم مضیق توسل به زور عبارت است از هرگونه عمل قهرآمیزی که نتوان آن را اقدامی نظامی قلمداد نمود. اما در معنی موسع، این مفهوم «تمامی تدابیر و عملیات نظامی، از جمله جنگ را در بر می‌گیرد».

جنگ آسیبی اجتماعی و عامل تغییر شکل سیاسی است که می‌توان آن را از لحاظ تاریخی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، جامعه‌شناسی و غیره بررسی و مطالعه کرد (روسو، ۱۹۷۹: ۳۳۷). ریمون آرون^۱، جنگ را اقدامی اجتماعی ناشی از اراده اجتماعات سیاسی سازمان یافته می‌داند که به منظور غلبه یکی بر دیگری ظهور می‌کند (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۳: ۴۵).

جنگ عراق علیه کشورمان که از ۱۳ فروردین ۱۳۵۹ به صورت پراکنده آغاز شد یکی از موارد توسل به زور است که در واپسین ساعات صبح ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ برابر با ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، به صورت گسترده و برنامه‌ریزی شده (پارسادوست، ۱۳۷۱: ۱۷) به دلایل مختلف آغاز شد (درویان، ۱۳۷۶: ۶۰-۳۷)؛ با وجود این، آغاز تهاجم در مجامع بین‌المللی، ۳۱ شهریور اعلام شده است (زمانی، ۱۳۸۱: ۴۳).

به باور حاکمان عراق، وقوع انقلاب اسلامی در ایران و سقوط نظام شاهنشاهی فرصتی برای آنان به دست داده بود تا رؤیاهای تاریخی خود از جمله گسترش حاکمیت بر اروندرود و تجزیه استان خوزستان را محقق سازند؛ از این رو، دولت عراق با ادعای اینکه ایران سرزمین‌های عراق را به زور تسخیر کرده است به لغو یکجانبه عهدنامه ۱۹۷۵

^۱ Raymond Aron

الجزیره اقدام و به آن حمله کرد؛ لیکن دلایل دولت عراق در لغو یکجانبه عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر و تجاوز به خاک ایران از دیدگاه حقوقی پذیرفته نیست (آقایی، ۱۳۹۲: ۱۳۱).

در این باره کورت والدهایم^۱، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، در نخستین واکنش خود به آغاز تهاجم، مسئله را به اختلافات پیشین ایران و عراق ارتباط داده، بی آنکه به حمله منسجم عراق علیه ایران اشاره کند، نگرانی خود را بر تیره شدن روابط دو کشور و تشدید اختلافات آن‌ها متمرکز کرد (پارسادوست، ۱۳۷۱: ۱۸). در حقیقت، تهاجم نظامی رژیم عراق علیه تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران، عملی تجاوزکارانه به شمار می‌رفت، اما شورای امنیت با وجود آنکه از ابتدای حمله عراق این منازعه را زیر نظر داشت، از تلقی آن به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی خودداری کرده، تنها از آن به عاملی که ممکن است ادامه آن صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد، یاد کرد (آقایی، ۱۳۹۲: ۲۰۵).

یادآوری این نکته لازم است که یکی از اصول مهم در آغاز جنگ «لزوم اعلان رسمی گشایش درگیری» است. در حقوق موضوعه نیز به این ضرورت تصریح شده است. کنوانسیون لاهه اخطار قبلی و روشن را چه به شکل اعلان جنگ یا به شکل اولتیماتوم پیش از آغاز مخاصمه، شرط کرده است (روسو، ۱۳۷۹: ۴۴). کنوانسیون سوم لاهه مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ در ماده ۱ خود آغاز درگیری را به اخطار قبلی و صریح موکول کرده، استناد آن به مقررات عرفی دوران گذشته است. اعلان جنگ باید مبتنی بر دلایلی قابل قبول باشد و به اطلاع سایر کشورها نیز برسد تا کشورهای بی طرف موضع خود را اتخاذ و اعلام کنند. جنگ‌های جدید مانند جنگ رژیم صهیونیستی و اعراب در سال ۱۹۶۷ و نیز حمله عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ به جمهوری اسلامی ایران همچنین حمله این کشور به کویت در سال ۱۹۸۹ از جمله جنگ‌هایی بودند که بدون اعلان قبلی صورت گرفت.

^۱ Kurt Waldheim

بررسی وقایع تاریخی جنایات رژیم بعثی صدام در بمباران مدارس شهرهای ایران بمباران مدارس میانه

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، در ایام تصدی ریاست جمهوری، در دیدار با خانواده معظم شهداء با اشاره به جنایات وحشیانه رژیم بعثی عراق در به شهادت رساندن دانش‌آموزان بی دفاع و مظلوم شهرهای «میانه» و «بروجرد» و دیگر شهرهای ایران تأکید کردند:

«ملت ما حرکات قساوت آمیزی را که با دانش‌آموزان شده است، کم و کوچک نخواهد شمرد و عکس‌العمل ما در مورد گل‌های پرپر شده مدارس ایران، خیلی شدید خواهد بود. در این بمباران‌ها تعدادی از دانش‌آموزان عزیز ما به شهادت رسیده‌اند و این داغ، ننگی بر پیشانی رژیم عفرقی است. این حوادث نشان داد که دولت‌ها و ابرقدرت‌ها و مجامع جهانی، تا چه حد حاضرند از حقوق بشر دفاع کنند و گاه یک انسان به دلیل سیاسی مورد توجه آن‌ها قرار می‌گیرد، اما صد دانش‌آموز ما در بمباران‌ش هید می‌شوند و آن‌ها دم بر نمی‌آورند و اینجاست که می‌بینیم اسلام چقدر برای انسان‌های بی پناه معاصر، ضروری است و بشریت تا چه حد به موعظه و اخلاق اسلامی نیاز دارد» (روزنامه اطلاعات، ۱۴ اسفند ۱۳۶۵: ش ۱۸۰۹۷).

جنگنده‌های عراق بارها مدارس شهرهای ایران را آماج بمباران هوایی قرار دادند که از جمله آن‌ها می‌توان به بمباران مدارس ناشنوایان شهید فیاض بخش در شهرستان بروجرد، دو مدرسه دخترانه در شهرستان میانه و یک مدرسه راهنمایی در شهرستان بهبهان اشاره کرد. از میان مدارس یادشده عمق فاجعه در مدارس شهرستان میانه، شامل «دبیرستان زینیه و دبستان دخترانه ثارالله (فاطمه الزهرا (سلام الله علیها))» بیشتر بود. اظهارات خانواده معظم شهدای مدارس شهرستان میانه عمق فاجعه را نشان می‌دهد:

^۱ مطالب این قسمت برگرفته از کتاب "نیمکت‌های سوخته"، نوشته آقای جعفر کاظمی می‌باشد که از اولین و جامع‌ترین کتب نوشته شده در خصوص بمباران مدارس شهرهای ایران برشمرده می‌شود.

«پس از ظهر شنبه، یازدهم بهمن ۱۳۹۵ بود که هواپیماهای دشمن چند نقطه از شهر را کوبیدند. از چند روز پیش شایع شده بود که عراق قصد حمله به میانه را دارد اما هیچ کس توجهی به شایعات نکرد، تا اینکه ساعت پنج بعد از ظهر صدایی وحشتناک شهر را لرزاند. مردم وحشت زده به اطراف می‌دویدند و فریاد کمک از هر طرف شنیده می‌شد. پس از لحظاتی همه فهمیدند که چند نقطه مسکونی شهر هدف بمباران قرار گرفته است» (مجله زن روز، ۱۳۶۵: ش ۱۱۰۷).

ساعتی بعد خبر مجدد حمله هواپیماهای جنگنده بعثی دهان به دهان چرخید: «فردا ساعت ده و سی دقیقه صبح مدرسه زینبیه را می‌زنند». این خبر به نقل از رادیوی عراق و اسرائیل بود و با توجه به شرایط ملتهب شهر، به سرعت همه با خبر شدند. (بخشی از خاطرات سکینه ابوالقاسم زاده، به نقل از کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۸).

بنا به گفته خانم «لطیفه میدانی» که به مدت هشت سال در دبیرستان دفتردار بوده است، «تعداد دانش‌آموزان مدرسه زینبیه در حدود هشتصد نفر بود. از این تعداد ۲۸ نفر و یک خدمتگزار مدرسه، لیاقت میهمانی خدا را پیدا کرده، به سوی بهشت پرواز کردند. در میان دانش‌آموزانی که جان سالم به در بردند، بیش از پانزده درصد مجروح و مصدوم شدند. به این تعداد، شهدای سپاه پاسداران و دبستان فاطمه الزهرا^(س) یا ثارالله و جمعی از اهالی شهر و به خصوص بیماران و مجروحین بیمارستان امام خمینی^(ره) را باید اضافه نمود که در بعد از ظهر همان روز هدف حمله قرار می‌گیرند» (همان: ۱۲۱).

روزنامه کیهان نیز در آن ایام اوضاع شهر را چنین گزارش می‌دهد: «در اولین حمله چهار نقطه مسکونی شهر که در اطراف گرمابه بلور واقع بود مورد اصابت بمب قرار گرفت. در روز دوم حمله هوایی، فاجعه بمباران دو مدرسه و چندین خانه پیش آمد و در دومین روز حمله برای دومین بار بیمارستان شهر و مسجد آن و چندین نقطه مسکونی آسیب دید. در طول این دو روز در مجموع ده فروند هواپیما در این حملات شرکت داشتند که ۳۲ بمب و راکت خود را بر سر مردم بی‌دفاع فرو ریختند و به دلیل نداشتن پدافند هوایی، مردم بی‌پناه و وحشت زده را در خیابان‌ها و اماکن عمومی بی‌رحمانه به رگبار گلوله‌های خود بستند. در حمله اول سیزده نفر به شهادت رسیدند و ۳۷ نفر از شهروندان مجروح شدند.

در حمله دوم، یک بمب در فاصله هفتاد متری بیمارستان منفجر شد...» (روزنامه کیهان، ۲۰ بهمن ۱۳۶۵ ش ۱۲۹۵۸).

بر اساس اطلاعیه رئیس وقت اطلاعات جنگی شورای عالی دفاع جمهوری اسلامی ایران در اول فوریه ۱۹۸۷ برابر ۱۲ بهمن ۱۳۶۵ رژیم بعثی حاکم بر عراق پس از عملیات پیروزمندانه در کربلای ۵، جنگ شهرها را تجدید کرد... دانش‌آموزان معصوم و بی‌گناه دبیرستان دخترانه شهرستان میانه هدف هجوم و پرتاب بمب‌های خوشه‌ای قرار گرفتند ... این حملات ۸۹ نفر شهید و ۲۰۰ نفر زخمی به جا گذاشته است» (همان: ۱۲۹).

میزان خسارات و تلفات این حملات وحشیانه به حدی بود که با سرعت در رسانه‌های داخلی و خارجی بازتاب یافت و اعتراض سازمان‌ها و گروه‌های انسان دوست و مردمی و موجی از اعتراض‌های بین‌المللی را علیه مزدوران بعثی برانگیخت.

پیرامون اقدامات انجام شده در عرصه بین‌المللی می‌توان به چند نمونه زیر به اختصار اشاره کرد:

۱. یادداشت همراه با تصاویر مدارس بمباران شده توسط نمایندگی ایران در سازمان

ملل و خواستار شدن اعزام هیئتی از یونسف برای بازدید از جنایات رژیم

صدام روزنامه کیهان، ۱۸ بهمن ۱۳۶۵، ش ۱۲۹۵۶: ۲۰).

۲. ارسال نامه سرگشاده از طرف مردم و مسئولان میانه خطاب به دبیر کل سازمان

ملل متحد (روزنامه اطلاعات، ۳۰ بهمن ۱۳۶۰ ش ۱۸۱۱۰: ۴-۱).

۳. نماینده دائمی ایران در سازمان ملل از سکوت محافل بین‌المللی در قبال حملات

وحشیانه عراق به مناطق مسکونی انتقاد کرد (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۸

بهمن ۱۳۶۵ ش ۲۲۳۴: ۱۲).

بمباران مدارس بروجرد

در پی اجرای عملیات «کربلای ۵» و شکست سنگین ارتش عراق، این کشور بار دیگر جنگ را از میدان نبرد به پشت جبهه‌ها و شهرها کشاند.^۱ در این راستا، هواپیماهای جنگنده عراق در ۲۰ دی ۱۳۶۵، تعداد زیادی از مردم شهر بروجرد از جمله دانش‌آموزان حاضر در مدارس این شهر را به خاک و خون کشیدند. در این بمباران، یک مدرسه ابتدایی و یک مدرسه راهنمایی مورد حمله قرار گرفت و ۶۸ کودک خردسال به شهادت رسیدند. بر روی هم، شهر بروجرد در طول جنگ تحمیلی نزدیک به ۵۰ بار مورد حمله هوایی و موشکی قرار گرفت و ۴۱۲ تن از ساکنان شهر به فیض شهادت نائل آمدند (کاظمی، ۱۳۹۰: ۱۷).

عشرت گودرزی، همسر شهید احمد و مادران شهیدان محمود و مسعود گودرزی، خاطره خود را این‌گونه روایت می‌کند: «احمد دست بچه‌ها را گرفت و هر سه رفتند. پانزده دقیقه بعد از رفتن آن‌ها انفجار اتفاق افتاد. فوراً چادرم را سر کردم و شتابان به طرف مدرسه دویدم. توی راه چند بار زمین خوردم. از فاصله دور دیدم مدرسه درون غبار غلیظی گم شده است. مردم سراسیمه می‌دویدند. وقتی مدرسه را دیدم نزدیک بود قلبم از حرکت بایستد. در میان شهدا و زخمی‌ها به دنبال شوهر و بچه‌هایم گشتم. با فریاد صدایشان می‌زدم. اول جنازه احمد را پیدا کردم. صورتش سوخته بود. چند قدم آن طرف‌تر از احمد، مسعود را دیدم. چشم‌های معصومش از حلقه در آمده بود. محمود هم کنار مسعود بود. دست همدیگر را گرفته بودند و محمود سر نداشت. بین آن‌ها نشستم و گریه کردم. از رگ‌های بریده گردن محمود خون می‌جهید. لب‌هایم را روی گردن بی سر او گذاشتم و بوسیدم. دست بی‌جان احمد را گرفتم و صدایش زدم. التماسش کردم بلند شود تا بچه‌های شهیدمان را از روی زمین برداریم» (همان: ۱۹۰-۱۵۹).

^۱ برای مطالعه بیشتر در خصوص جنگ شهرها ر.ک: پیکانی، محمد حسین (۱۳۹۱)، جنگ شهرها و دفاع موشکی، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

آثار بمباران مدارس ایران بر حقوق کودکان

آثار بمباران مدارس شهرهای مختلف ایران بر حقوق کودکان و جنبه‌های مختلف آن از دیدگاه موازین بین‌المللی که متضمن حقوق کودک است، موضوع اصلی مطالعه حاضر را تشکیل می‌دهد. بی‌تردید تمام حملات رژیم بعثی صدام به اهداف و افراد غیر نظامی عمدی بوده، مصداق بارز نقض حقوق بین‌الملل است. بر روی هم، هدف عراق از دست زدن به این گونه اعمال ضدبشری و مغایر با اصول و قواعد بین‌المللی، تضعیف اراده ملت ایران در مبارزه با متجاوز بود (پورمحمدی، پیشین: ۸۱). جنگ و به خصوص بمباران مناطق مسکونی همچون مدارس، افزون بر کشتار و خشونت، بر همه زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی زندگی تأثیر می‌گذارد. در این حال، بیشتر آسیب دیدگان را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. در جنگ افزون بر آنکه حق حیات و سلامت کودک در معرض خطر قرار می‌گیرد، خشونت‌های اعمال شده ممکن است به کشته شدن یا مجروح و معلول شدن وی منجر شود. پیش از پرداختن به موضوع ذکر این نکته لازم است که به نظر می‌رسد به سبب بمباران مدارس شهرهای مختلف ایران، دو دسته از حقوق کودکان که شامل حق برخورداری از حیات و حق برخورداری از آموزش می‌باشد به صورت مستقیم نقض شده است. این در حالی است که به سبب بمباران‌های مدارس شهرهای ایران، دستهای دیگر از حقوق به طور غیر مستقیم نقض یا مورد تهدید جدی قرار گرفتند. مشکلات روحی و عصبی پیش آمده برای جانبازان و مجروحان حوادث یادشده از این جمله‌اند.

نقض حق حیات کودکان

نخستین و اساسی‌ترین حقی که از کودکان مدارس مختلف شهرهای ایران به سبب بمباران هوایی رژیم بعثی عراق نقض گردید، حق حیات آنان است. حق حیات مهم‌ترین حقی است که هر انسانی باید از آن برخوردار باشد و دولت‌ها در اعلامیه‌ها، میثاقها، کنوانسیون‌ها و دیگر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای بر تأمین، تضمین و حمایت از آن تأکید ورزیده‌اند، که از جمله آن‌ها می‌توان به ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲ اعلامیه

اسلامی حقوق بشر، ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک و ماده ۶ میثاق کودک، اشاره کرد.

حق حیات در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، بنیادی‌ترین حق انسانی به شمار می‌رود که دیگر حق‌های پیش‌بینی شده متوقف بر آن است. اهمیت این حق تا به آنجاست که حتی در شرایط اضطراری نیز نمی‌توان آن را نادیده گرفت (اکبرنژاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۶). بر اساس ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک، حفظ عالی‌ترین منفعت کودک و حق ذاتی کودکان برای زندگی و بقاء و رشد کودک وظیفه همه دولت‌هاست. حق حیات و بقاء و رشد کودک یکی از چهار اصل زیربنایی کنوانسیون حقوق کودک به شمار می‌رود و در میثاق حقوق کودک بر حق حیات وی از دوران جنینی تا رشد تأکید گردیده و دولت‌ها موظف به تضمین بنیان‌های لازم برای بقاء و رشد کودک شده‌اند (ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک). اصول کنوانسیون حقوق کودک را می‌توان به یک هرم تشبیه کرد که در رأس آن منافع عالی کودک و در دو طرف آن عدم تبعیض در مورد کودک و مشارکت او در زندگی خود قرار داشته و بقاء و رشد کودک در قلب این هرم جای دارد (فتح الله، ۱۳۹۳: ۷۴).

نقض حق آموزش کودکان

حق آموزش و پرورش در زمره حقوقی به شمار می‌رود که دارای دو جنبه فردی و اجتماعی می‌باشد، اما به دلیل غلبه جنبه اجتماعی‌اش، به عهده دولت گذاشته می‌شود. در برخی از کشورها همچون ژاپن، آموزش در زمره حقوق اجتماعی است و انتظار می‌رود دولت در امر آموزش به مثابه یک خدمت اجتماعی نقش داشته باشد. در فرانسه نیز حق آموزش و پرورش در زمره حقوق اجتماعی محسوب می‌شود و بر وظیفه دولت در تضمین دسترسی همگان به دانش که از شرایط برابری فرصت‌هاست، تأکید می‌گردد (علم الهدی، ۱۳۹۱: ۵۵۹).

با وجود این، حق آموزش کودکان نه تنها در مواد ۲۸ و ۲۹ کنوانسیون حقوق کودک مورد توجه قرار گرفته است، بلکه در سایر اسناد بین‌المللی از جمله میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده ۱۳)، ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲

پروتکل شماره ۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۵ کنوانسیون یونسکو علیه تبعیض در آموزش و... نیز مورد تأکید قرار گرفته است (اکبرنژاد، پیشین: ۴۱۶).

می‌توان اذعان داشت که با بمباران هوایی مدارس شهرهای مختلف ایران، حق برخورداری از آموزش کودکان به سبب تخریب مدارس نقض شده است. برای اینکه کودکان بتوانند شخصیت، استعداد و توانایی‌های فکری و جسمی خود را پرورش دهند، باید از حق آموزش برخوردار باشند. این حق شامل آموزش ابتدایی (رایگان و اجباری) و ایجاد فرصت‌های آموزشی مناسب بدون توجه به جنسیت و توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای افزایش توانایی‌های کودکان است. آنچه موجب اختلال در برخورداری کودکان از این حق می‌شود، بروز موقعیت‌های اضطراری است (مصفا، ۱۳۹۱: ۸۸).

در زمان صلح این موقعیت اضطراری، قرار گرفتن کودک در شرایط نامتعادل اقتصادی و فقر خانوادگی و اجتماعی است که نتیجه چنین وضعیتی س وق دادن کودک به سوی اشتغال است، لیکن در دوره جنگ ویرانی و تخریب مدارس، تعطیلی مراکز آموزشی، مرگ و مصدومیت دانش‌آموزان و معلمان و آوارگی دانش‌آموزان و... سبب می‌شود که حق برخورداری کودک از آموزش به شدت به مخاطره افتد، مسئله‌ای که در بمباران مدارس مختلف شهرهای ایران به وقوع پیوست و در اثر بمباران‌های یادشده، تمام یا بخش اعظمی از مدارس شهرهای مختلف ایران تخریب شد و شهید یا مجروح شدن جمع کثیری از دانش‌آموزان، باعث شد اعمال حق آموزش کودکان با اختلالات جدی مواجه شود.

نقض حق برخورداری از حمایت خانواده

در طول هشت سال دفاع مقدس و بمباران‌های متعدد موشکی و هوایی رژیم بعثی عراق، کودکان زیادی به سبب از دست دادن خانواده خود چه در حوادث بمباران مدارس و چه در بمباران شهرهای مختلف ایران آواره و بی پناه شدند. ضرورت برخورداری کودک از کانون خانواده و سرپرستی والدین خود و پرورش در فضایی سرشار از محبت و امنیت اخلاقی و مادی در مواد ۹ و ۱۸ کنوانسیون حقوق کودک تصریح و تأکید شده است.

همچنین حفظ عالی‌ترین منافع کودک زمانی تأمین می‌شود که کودک در خانواده و تحت سرپرستی و مسئولیت پدر و مادر خود رشد کند. در شرایط عادی، جدا شدن کودک و محروم ماندن او از محیط خانواده می‌تواند بر اثر طلاق و جدایی یا فوت یکی از دو والد یا هر دو آنها اتفاق بیفتد، اما در شرایطی ویژه همچون جنگ، گسستگی خانواده و دور افتادن کودکان از محیط خانواده و از دست دادن افراد خانواده از اختیار شخص خارج است. کشته شدن، مفقود شدن و تخریب اماکن مسکونی و مدارس و... در هنگام حملات و بمباران‌های هوایی سبب می‌شود که اعضای خانواده از یکدیگر جدا شده، از محل زندگی و کانون خانواده خود به طور موقت یا دائم آواره شوند و با اسکان در اردوگاه‌ها و پناهگاه‌های موقت و... با محرومیت‌های زیادی مواجه شوند. یتیمی، آوارگی، پناهندگی و قرار گرفتن در محاصره اقتصادی سبب می‌شود که کودک نتواند از محیط خانوادگی و جمع خانواده بهره مند شود (مصفا، پیشین: ۹۰).

بند ۱ و ۲ ماده ۲۰ کنوانسیون حقوق کودک ضمن اشاره به تضمین حقوق کودکان خواستار پناهندگی، حمایت و مساعدت نسبت به کودکان پناهنده را از تعهدات دولت‌های عضو به شمار آورده، همکاری دولت‌ها با سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های غیردولتی و بین‌المللی را در ردیابی خانواده کودک و حمایت از وی مورد تأکید قرار داده است.

نقض حق بر خورداری از بهداشت و سلامت

در اسناد بین‌المللی متعددی از جمله میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، اعلامیه بقاء و رشد و اعلامیه حقوق کودک همچنین کنوانسیون حقوق کودک، بر حق بهداشت کودک و وظایف دولت‌ها در این خصوص تأکید شده است. کنوانسیون حقوق کودک، بهداشت و امکانات بهداشتی را از مهم‌ترین ابزارهای رشد و رفاه کودک می‌داند و حق بهداشت را از حقوق اجتماعی مهم کودک و در زمره وظایف دولت‌ها تلقی کرده، مورد تأکید قرار می‌دهد (بلیع و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۶).

علیرغم اینکه دولت‌ها حق بهداشت کودک را پذیرفته و نسبت به تأمین آن متعهد شده اند، درگیری‌های مسلحانه خدمات رسانی آنان را در این حوزه با اختلال مواجه می‌کند.

در شرایط جنگ همه شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. سوء تغذیه به دلیل کاهش تولید مواد غذایی و آوارگی افزایش می‌یابد، منابع خاص خدمات اجتماعی به امور مخاصمات اختصاص داده می‌شود، با تخریب زیرساخت خدمات بهداشتی، مرگ و میر کودکان و نوزادان بالا می‌ود. نظام‌های بهداشتی کارایی و کارآمدی خود را از دست می‌دهند، تخریب تأسیسات بهداشتی و درمانی، کمبود نیروهای متخصص، ناتوانی دولت‌ها برای اجرای برنامه واکسیناسیون، انتقال بیماری‌ها از طریق استفاده از آب آشامیدنی ناسالم، تغذیه نامناسب به دلیل تحریم‌ها و ایجاد موانع برای دستیابی به منابع و مواد غذایی کافی و لازم و... حق بهداشت کودکان را در زمان جنگ متأثر می‌سازد (مصفا، پیشین: ۸۷).

سلامت پیش شرط ضروری حیات، شادی و شکوفایی برشمرده شده است. حق سلامت از دسته حقوق کودکان است که در مواد ۲۴ تا ۲۶ کنوانسیون حقوق کودک به آن پرداخته شده است. نظریه تفسیری شماره ۱۴ در مورد حق سلامت که در سال ۲۰۰۰ توسط کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صادر شده است نیز می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

در این نظریه آمده است که این حق تنها به مراقبت‌های پزشکی منحصر نیست، بلکه موضوعاتی همچون دسترسی به آب سالم و فاضلاب کافی، تأمین غذای سالم، تغذیه و مسکن و شرایط زیست محیطی سالم همچنین دسترسی به آموزش و اطلاعات مربوط به سلامت و بهداشت و... را دربر می‌گیرد (اکبرنژاد، پیشین: ۳۶۸).

این وضعیت برای کودکان مدارس مختلف شهرهای کشور ما که به دلیل بمباران هوایی رژیم عراق گرفتار آسیب‌ها و جراحات‌های روحی و روانی شدند، به وجود آمد و حق سلامت آن‌ها به موجب بمباران‌های هوایی مدارس و به خاک و خون کشیده شدن تعداد زیادی از دوستان و همکلاسی‌های کودکان دانش آموز مورد نقض و تهدید جدی قرار گرفت.

لزوم حمایت از حقوق کودکان در اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی اعلامیه جهانی حقوق کودک، ۱۹۵۹

امروزه موازین و اقدامات بین‌المللی در خصوص حمایت از حقوق کودکان وجود دارد که شناخت نسبی آن‌ها برای درک بهتر کنوانسیون حقوق کودک و به دست آوردن راهکاری مناسب برای صیانت مؤثر از حقوق آنان لازم و ضروری است. اعلامیه ۵ ماده‌ای حقوق کودک که در سال ۱۹۲۴ توسط «جامعه ملل» تهیه و به تصویب رسید را شاید بتوان نخستین اقدام قانونی برای حمایت از حقوق کودک توسط یک سازمان بین‌المللی برشمرد. مسائل کودکان به شکل بارز و مشخصی از ابتدای تأسیس سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفت. در اولین اقدام، کمیسیون توسعه اجتماعی مبادرت به تهیه اعلامیه جهانی حقوق کودک توسط کمیسیون حقوق بشر به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل اقدام نمود و مجمع عمومی سازمان ملل در اجلاس بیستم نوامبر ۱۹۵۹ طی قطعنامه‌ای به اتفاق آراء آن را تصویب کرد.

اعلامیه یادشده را که متضمن ده اصل است می‌توان نخستین سند حقوقی مستقل برای کودکان جهان برشمرد. در مقدمه این اعلامیه تصریح شده است که کودکان باید دوران کودکی خود را با خوشبختی و شادی بگذرانند و از حقوق اجتماعی خاص برخوردار شوند. از این رو، اعلامیه از همه افراد جامعه، سازمان‌های داوطلب، مقامات محلی و دولت‌ها می‌خواهد که این حقوق را به رسمیت شناخته، در جهت اجرای آن از طریق اتخاذ قوانین و ابزارهای خاص اهتمام کافی را مبذول دارند^۱.

به نظر می‌رسد اگرچه اعلامیه تمام جنبه‌های حقوق کودک را در بر نداشته است، اما تأثیر به‌سزایی در زمینه بهبود وضع زندگی کودکان داشته، حق آنان را در برخورداری از فرصت‌ها و تسهیلات ویژه برای داشتن رشدی طبیعی و زندگی سالم مورد شناسایی قرار داده، نقشی مهم در تدوین کنوانسیون حقوق کودک ایفا کرده است (مصفا، ۱۳۸۲: ۴).

1 introduction of Declaration on the Rights of the child

کنوانسیون حقوق کودک^۱، ۱۹۸۹

نقص در ضمانت اجرای مؤثر حقوق مندرج در اعلامیه ۱۹۵۹ همچنین وقوع موارد عملی تضييع حقوق کودکان در سطح جهانی، لزوم تهیه و تصویب یک معاهده بین‌المللی را ایجاب نمود که مورد تأیید و پذیرش همه دولت قرار گیرد. کنوانسیون حقوق کودک پس از سال‌ها بحث و گفت و گو، طی قطعنامه‌ای در سال ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی رسید و در ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ پس از تصویب بیست کشور، مفاد آن لازم الاجرا گردید^۲.

می‌توان اذعان داشت که این توافق نامه حقوقی، نخستین سندی است که در ابعاد بسیار گسترده حقوق کودکان را مورد توجه قرار داده، حاوی نکات بسیار ضروری برای حیات آنهاست و دولت‌ها را مکلف می‌کند که به تعهدات خود در قبال کنوانسیون عمل کنند. بر همین اساس، برای عملکرد دولت‌ها در زمینه اجرای کنوانسیون، اولین اجلاس سران دولت‌ها در نیویورک برگزار شد. دستاورد این نشست تدوین «اعلامیه جهانی بقاء، توسعه و حمایت از کودکان^۳» و توافق دولت‌ها برای تشکیل کمیته حقوق کودک بود.

اصول و مفاد مندرج در کنوانسیون یادشده، همه کودکان جهان را فارغ از جنسیت، شرایط خاص قومی، نژادی، ملیتی و... تحت پوشش قرار داده است. همچنین اصول آن سلسله مراتب ندارد به نحوی که هیچ اصلی بر اصل دیگر مقدم نیست و چنانچه در ادامه مشخص خواهد شد بر ضرورت اجرای اصول آن تأکید شده است.

حقوق مطرح شده در کنوانسیون حقوق کودک در شش دسته طبقه بندی شده است. نخست، حقوق زیربنایی و اساسی؛ دوم، حق برخورداری از حمایت؛ سوم، حق مشارکت و آزادی‌های مدنی؛ چهارم، حق تأمین؛ پنجم، حق برخورداری از بهداشت؛ ششم، حق بهره‌مندی از آموزش، اوقات فراغت و انجام فعالیت‌های فرهنگی.

1 Convention on the Rights of the child, 1989

2 United Nations, CRC/C/ 60, 11 November 1990, Committee on the Rights of the child, for teeth Session, Geneva, 6-24, January 1991, pp. 1-5

3 The world Declaration on the survival, protection and development of children

مواد ۴۲ تا ۵۴ کنوانسیون حقوق کودک به چگونگی اجرای پیمان و عملکرد دولت‌ها با آن اختصاص دارد. در این مواد، همکاری‌های بین‌المللی ابزاری مهم برای تضمین اجرای حقوق کودک شناخته شده است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۰ دسامبر ۱۹۶۸ طی قطعنامه‌ای «اعلامیه جهانی حقوق بشر» را به تصویب رسانید. اعلامیه مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده است. این سند در زمره اساسی‌ترین اسناد بین‌المللی است و دستاوردهای مهمی را در شأن، کرامت و حقوق انسان‌ها در بردارد و تمام افراد بشر را از لحاظ حیثیت و حقوق با هم یکسان می‌داند. ماده ۲ اعلامیه همه افراد بشر را بدون هیچ گونه تمایز به ویژه از حیث نژاد، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، بهره‌مند از تمام حقوق و آزادی‌های مطرح شده در اعلامیه می‌داند.^۲ باید توجه داشت که کودکان نیز دسته‌ای از انسان‌ها برشمرده می‌شوند که حمایت‌های اسناد عام و جهانی حقوق بشری آنان را دربر می‌گیرد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۲۸۳). افزون بر تضمین‌های عام حقوق بشری، این حقوق به موجب موادی چند از اعلامیه یادشده، شناسایی و حمایت شده است: مادران و کودکان حق دارند از کمک و مراقبت مخصوص و از حمایت اجتماعی بهره‌مند شوند و از این حیث هیچ تمایزی بین کودکانی که بدون ازدواج متولد می‌شوند با کودکانی که بر اثر ازدواج متولد می‌شوند، وجود ندارد اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۲، ماده ۲۵)

1 The Universal Declaration on Human Rights

2 A Compilation of international instruments, volume 1, second part, united nations, new York, 1993, p. 28

اعلامیه حقوق بشر اسلامی، ۱۹۹۰

اولین طرح مربوط به حقوق بشر اسلامی در سال ۱۹۷۹ در قاهره تهیه شد (طباطبایی موتمنی، ۱۳۷۵: ۲۷۹). سازمان کنفرانس اسلامی در نوزدهمین اجلاس وزرای امور خارجه که در سال ۱۹۹۰ در قاهره تشکیل شد، متن اعلامیه حقوق بشر اسلامی را به تصویب رساند. این اعلامیه با تأکید بر آرمان، مفاهیم و ارزش‌های اسلامی، حقوق بشر را مورد بررسی و تصویب قرار داده است. این اعلامیه که مشتمل بر یک مقدمه و ۲۵ ماده است، ضمن تأکید بر کرامت ذاتی انسان و اصل برابری ابناء بشر، حقوق کودکان را نیز مورد توجه ویژه قرار داده است. مواد ذیل متضمن شناسایی و حمایت از حقوق کودکان می‌باشد: در این اعلامیه خانواده رکن اساسی جامعه تلقی شده، بر حمایت جامعه و دولت از آن تأکید شده است (اعلامیه اسلامی حقوق بشر، بند الف ماده ۱).

همچنین حفاظت از کودک در دوران طفولیت، تربیت و تأمین نیازهای مادی و بهداشتی، نگهداری از جنین و حفاظت از نوزاد، حق کودک شناخته شده و مسئولیت این امر بر عهده والدین، جامعه و دولت نهاده شده است (همان، بند الف ماده ۷).

اقدامات شورای امنیت سازمان ملل در حمایت از حقوق کودک

شورای امنیت، در قطعنامه^۲ ۱۲۶۱ ضمن اظهار تأسف عمیق از هدف قرار دادن کودکان در تعارضات مسلحانه و آثار آن بر کودکان از جمله کشته و مجروح شدن، آزارهای جنسی، آواره و پناهنده شدن کودکان، از همه طرف‌های درگیر می‌خواهد که حقوق بشردوستانه بین‌المللی و کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو را رعایت کنند و برای خاتمه به کارگیری کودکان سرباز، چهار مرحله خلع سلاح، از تحرک انداختن، اسکان دوباره و ادغام دوباره کودکان در جامعه را درخواست می‌کند. همچنین این قطعنامه بی‌آنکه نامی از واژه تحریم برسد، به معیارهای تحت

۱ برای مطالعه بیشتر در خصوص متن اعلامیه رک: نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران،

شماره ۲۷، سال ۱۳۶۹

ماده ۴۱ که توسط شورا اتخاذ می‌شود و به احتمال، آثار سوء بر کودکان دارد، اشاره می‌کند. قطعنامه بعدی، یعنی قطعنامه^۱ ۱۳۷۹ در سال ۲۰۰۱ صادر گردید.

شورای امنیت در این قطعنامه ضمن توجه به مسئولیت اولیه خود در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، به آثار زیانبار و گسترده تعارضات بر کودکان و بر استقرار صلح پایدار، امنیت و توسعه توجه کرده است. در بند ۹ این قطعنامه از دولت‌ها خواسته شده است کسانی را که مرتکب نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی شده‌اند، مجازات کنند. قطعنامه دیگر شورای امنیت که در خصوص کودکان و تعارضات مسلحانه به تصویب رسیده است را می‌توان قطعنامه^۲ ۱۶۱۲ سال ۲۰۰۵ دانست. این قطعنامه ضمن اظهار نگرانی از پیشرفت نکردن همه جانبه موضوع، به مسئولیت اولیه حکومت‌های ملی در فراهم آوردن حمایت و کمک برای تمام کودکان درگیر در جنگ اشاره می‌کند و به مسئولیت دولت‌ها برای پایان بی‌کیفری در این زمینه، تأکید می‌ورزد. همچنین به این نکته اشاره می‌کند که توجه به وضعیت کودکان در جنگ یک راهبرد کلی برای حل و فصل همه جانبه مسائل صلح است (مصفا، ۱۳۸۹: ۱۶۰-۱۳۷).

می‌توان اذعان داشت که مهم‌ترین تحول در زمینه حمایت از کودکان در حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، پیوند آن با مسئله حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است که اگر چه شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه‌های پیشین بر این پیوند تصریح کرده، اما در عرصه عمل نتوانسته است نقش خود را در مقام رکن اصلی سازمان ملل متحد در این مسئله به نحوی شایسته ایفا کند (نمایان، ۱۳۹۲: ۴۳).

قطعنامه‌های یادشده مواردی هستند که به طور مستقیم به موضوع کودکان و درگیری‌های مسلحانه اختصاص دارند. بر اساس یک مطالعه انجام شده^۳، از اول نوامبر ۲۰۰۲ تا اول اکتبر ۲۰۰۳ از میان ۵۴ قطعنامه صادره از شورای امنیت در موضوعات مختلف، ۹ قطعنامه به موضوع کودکان و وضعیت آنان در تعارضات مسلحانه توجه کرده است. این در حالی

1 UN Doc. S/RES/1379 20 Nov 2001

2 UN Doc. S/RES/1612 July 2005

3 Protecting children in Armed conflict: Blue print for compliance, January 2004 watch list on children and Armed conflict

است که شورای امنیت هیچ‌گاه نتوانست اقداماتی مؤثر در این خصوص جاری و عملی سازد و چنانچه پس از این اشاره می‌شود، شورای امنیت سازمان ملل متحد، در جنگ ایران و عراق و مسئله بمباران مدارس شهرهای مختلف ایران و کشتار کودکان بی‌دفاع، تنها با اختیار سکوت، اقدامات تجاوزکارانه رژیم بعثی عراق را نظاره کرد.

لزوم حمایت از حقوق کودکان در شریعت اسلام

با در نظر گرفتن این مسئله که میثاق حقوق کودک در اسلام توسط کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، با توجه به ارزش‌های اسلامی تصویب شده، و در بند آخر از مقدمه آن نیز آمده است که «میثاق حقوق کودک مقررات شریعت اسلامی را تصریح می‌کند»، از این رو، حمایت از حقوق کودکان در تفکر اسلامی امری مهم و لازم به شمار می‌رود.

حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه امری بدیهی و اجتناب ناپذیر و از جمله قواعد آمره دستورات جهادی اسلام برشمرده می‌شود، از این رو، شارع مقدس نسبت به حمایت از کودکان همچنین زنان در مخاصمات مسلحانه اهمیتی خاص قائل شده، آنان را مصون از تعرض می‌داند.

قوانین اسلام نشان می‌دهد حتی در اوج درگیری‌ها و مخاصمات مسلحانه صیانت از حق حیات و کرامت انسانی کودکان، الزام آور و در زمره قواعد آمره حقوق بشردوستانه اسلام به شمار می‌رود. بر این اساس، حمایت از کودکان از جمله الزامات انکارناپذیر حقوق بشردوستانه در اسلام است و باید در نهادینه کردن این نوع قواعد بشردوستانه در حقوق بین‌الملل نیز تلاش کافی صورت گیرد.

در حقوق بشردوستانه اسلام بر خلاف اسناد بین‌المللی، حمایت از کودکان موضوعیتی خاص دارد و حتی در اوج مخاصمات مسلحانه، زنان همچنین کودکان از حمایتی خاص برخوردارند و تنها در صورت اقتضای ضرورت‌های تکاملی و وجود حالت اضطرار ممکن است محدودیت‌هایی بر حمایت مطلق از زنان و کودکان اعمال شود. با توجه به

توضیحاتی که بیان شد، نحوه رفتار با کودکان به تفصیل در منابع اسلامی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.^۱

مستندات قرآنی و تفسیری

در آیه شریفه ۱۹۰ از سوره مبارکه بقره چنین تقریر شده است: «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم ولا تعتدوا إن الله لا یحب المعتدین؛ و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند نبرد کنید و از حد تجاوز نکنید که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی‌دارد». تفاسیری مختلف از این آیه شریفه در کتاب «اشخاص مورد حمایت در مخاصمات» آمده است. تمامی این تفسیرها، منظور از حد تجاوز نکردن را تعدی نسبت به بیماران، زنان، کودکان و سالمندان می‌دانند.

مستندات روایی

روایاتی متعدد در خصوص حمایت از زنان و کودکان در زمان مخاصمات مسلحانه در متون روایی امامیه همچین اهل سنت وارد شده است که می‌توان آن‌ها را با توجه به مدلول و نکاتی مختلف که در روایات بیان شده به گروه‌هایی مختلف طبقه بندی کرد. بر روی هم، در متون روایی امامیه می‌توان چهار دسته‌بندی را برای روایات یادشده در نظر گرفت:

دسته اول: روایاتی که به طور مطلق از قتل زنان و کودکان (مقاتل و غیر مقاتل) منع نموده‌اند؛

۱ مطالب این قسمت خلاصه‌ای از فصل اول تحت عنوان «حمایت از زنان و کودکان و ضرورت‌های نظامی»، از کتاب زیر است: لطفی، عبدالرضا و دیگران (۱۳۸۸)، اشخاص مورد حمایت در مخاصمات مسلحانه، جلد اول، تهران، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضاییه، صص ۱۴۵-۳۳.

دسته دوم: روایاتی که به طور مطلق از قتل کودکان منع نموده اند و در خصوص زنان ساکتند؛

دسته سوم: روایاتی که به طور مطلق قتل کودکان و زنان را ممنوع شمرده‌اند با این تفاوت که تصریح دارند حتی در صورت قتال و نبرد زنان نیز حتی المقدور از قتل آنان باید پرهیز شود؛

دسته چهارم: روایاتی که بیانگر قاعده کلی‌اند، که جهاد در اسلام جنبه دفاعی دارد و مادامی که فرد یا افرادی خواه مردان و خواه زنان با شما سر جنگ ندارند، شما حق تعرض و قتال با آنان را نخواهید داشت.

همچنین از روایات یادشده می‌توان این قاعده کلی را به دست آورد که غیرنظامیان از هرگونه تعرض مصون هستند.

لزوم حمایت از زنان و کودکان در مناصمات مسلحانه در روایات اهل سنت نیز مورد توجه و تأکید قرار گرفته است.

دسته اول و دوم همانند متون روایی امامیه است و تنها دسته سوم: روایاتی که استثنائات وارد بر مطلق بودن ممنوعیت قتل زنان را بیان می‌کنند و دسته چهارم: روایاتی که بیانگر قاعده کلی است که جهاد در اسلام جنبه دفاعی دارد و مادامی که فرد یا افرادی با شما سر جنگ ندارند، شما حق تعرض و قتال با آنان را نخواهید داشت. بدیهی است از این روایات، این قاعده کلی به دست می‌آید که غیرنظامیان (غیر مقاتلین) از هرگونه تعرض مصون می‌باشند که متفاوت است.

چنانچه ملاحظه می‌شود، هم در متون روایی امامیه و هم در متون روایی اهل سنت قتل و کشتار کودکان نهی شده است. این در حالی است که رژیم بعثی عراق با وجود تظاهر به اسلام، در طول هشت سال جنگ تجاوزکارانه خود، بر هیچ کدام از مواردی که بیان شد پایبند نبود و روح دیوسیرت خود را تا آنجا نمایان ساخت که حتی از کشتار هدفمند کودکان مدارس شهرهای مختلف ایران دریغ نورزید.

بررسی منابع فقهی نشان می‌دهد علیرغم اینکه حمایت از کودکان و مصونیت آنان حتی در جریان مخاصمات مسلحانه مورد اتفاق نظر دیدگاه‌های فقهی می‌باشد، لیکن دیدگاه‌های یادشده در خصوص گستره فراگیری این حمایت یکسان نیست. در عین حال ضرورت‌های نظامی یا حالت اضطرار نکته مشترک همه دیدگاه‌ها حتی کنوانسیونهای ژنو و پروتکل‌های الحاقی را تشکیل می‌دهد، با این توضیح که زنان و کودکان و دیگر اشخاص مورد حمایت، اگرچه در حالت عادی مخاصمات از مصونیت و حمایتی خاص برخوردارند، اما در صورت اقتضای نظامی یا حالت اضطرار با عنایت به قاعده «الضرورات تبیح المحظورات» و مصالح عالیة اسلامی و قاعده «الأهم فالأهم» ممکن است میزان حمایت و مصونیت زنان و کودکان را محدود سازد. بر همین اساس در خصوص قلمرو حمایت از زنان و کودکان دو دیدگاه فقهی امامیه و اهل سنت مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

طبق دیدگاه فقهای مشهور امامیه، زنان و کودکان از مصونیتی خاص در مخاصمات برخوردارند، زنان معاون و مقاتل نیز تا زمانی که ضرورت نظامی اقتضا نکند نباید مورد تعرض قرار گیرند. حمایت از زنان و کودکان به وضعیت و زمانی خاص اختصاص ندارد، بنابراین، چه در حالت مخاصمه و چه در حالت تصرف، همچنان حمایت همه جانبه از زنان و کودکان پا برجا خواهد بود. اسلام در حمایت از زنان و کودکان منتظر توافق یا اقدام متقابل دشمن نیست. لیکن باید توجه داشت مطابق دیدگاه غیرمشهور فقهای امامیه، زنان و کودکان تا زمانی که معاون و مقاتل محسوب نشوند مصونیت دارند، در غیر این صورت حمایت‌پذیر نخواهند بود.

بر اساس دیدگاه‌های فقهی اهل سنت نیز زنان و کودکان تا زمانی مصونیت دارند که معاون و مقاتل به ش‌س مار نیابند، در غیر این صورت حمایت‌پذیر نخواهند بود. تنها اختلافی که این دیدگاه با دیدگاه غیرمشهور فقهای امامیه دارد این است که بعضی از فقهای اهل سنت پادشاه بودن زنان را نیز مجوز برای قتل آنان می‌دانند تا موجب تضعیف روحیه و برهم زدن انسجام و شوکت نیروهای دشمن شود.^۱

^۱ برای مطالعه بیشتر ر.ک: محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۰)، حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، تهران، مرکز نشر علوم انسانی

چنانچه ملاحظه می‌شود، در تمامی دیدگاه‌های یادشده فقهی، لزوم حمایت از کودکان در مختصات مسلحانه مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. حال پرسش اساسی که مطرح می‌گردد این است که رژیم بعثی عراق با سرکردگی صدام حسین که از دین اسلام و مذهب سنی به ظاهر پیروی می‌کرده است بر چه اساس و مطابق با کدام بنیان فقهی کودکان بی‌گناه مدارس شهرهای مختلف ایران را به خاک و خون کشیده است؟ در حالی که کودکان مدارس ذره‌ای در هیچ یک از عملیات‌های نظامی حضور نداشته‌اند.

امکان‌سنجی طرح مسئولیت بین‌المللی ناقضان حقوق کودک در جنگ تجاوزکارانه عراق

از آنجا که قواعد حقوق بین‌الملل بسیار گسترده و در عین حال پیچیده است و مواردی متعدد هم‌زمان بر هم تأثیر می‌گذارند، از این رو، باید دید اکنون که جنگ تجاوزکارانه دولت عراق و به خصوص نقض حقوق کودکان در جنگ علیه ایران به اثبات رسیده است، دولت ایران یا خسارت دیدگان امکان طرح دعوی و پیگیری قضایی علیه دولت عراق و عاملان این جنایت را دارند؟ و با توجه به برحق بودن ایران، آیا امکان پیگیری قضایی مسئله، چه از مجاری بین‌المللی و چه از مجاری داخلی وجود دارد؟ بر این اساس، موضوع را از دو جنبه داخلی و بین‌المللی مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

امکان‌سنجی پیگیری طرح دعوی در محاکم ایران

مسئولیت دولت در نظام حقوق بین‌الملل به مسئولیت یک دولت در برابر دولت دیگر دلالت دارد که از رعایت نکردن تعهدات برآمده از نظام حقوق بین‌الملل نشئت می‌گیرد. دولت به لحاظ خسارتی که به دولت طرف اختلاف وارد کرده، مسئولیت خواهد داشت. برای نمونه این امر می‌تواند به دلیل نقض تعهدات قراردادی یا به علت خسارت وارد شده به اتباع دولت یا اموال آن‌ها باشد (والاس، ۱۳۸۷: ۲۳۵).

اگر چه مسئولیت دولت‌ها امری پیچیده است و کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۱ پیش‌نویسی را بر این امر تدوین نمود و اعمال متخلفانه بین‌المللی دولت‌ها را مشمول مجازات دانست، اما مانعی بر سر راه این قضیه وجود دارد و آن بحث «مصونیت دولت‌ها» می‌باشد.

مصونیت دولت‌ها بر مبنای حاکمیت برابر دولت‌هاست که پیش‌تر به صورت مطلق بوده است. ضمن اینکه یادآوری می‌شود، این مصونیت تنها در برابر دادگاه‌های داخلی مطرح است و در برابر مراجع بین‌المللی به هیچ عنوان مطرح نیست. بر این اساس، باید گفت که دولت‌ها و اموالشان از هرگونه تعقیب قضایی توسط دادگاه‌های داخلی مصون هستند. اما در سال ۱۳۷۸ قانونی تصویب شد که در موارد خیلی استثنایی با استناد به آن، می‌توان علیه دولت خارجی در داخل کشور اعلام جرم کرد و به موضوع رسیدگی نمود. از این رو، شعبات ویژه امور بین‌الملل برای آن در نظر گرفته شد و آرایه نیز در این خصوص صادر شده است.^۱

برای نمونه، در قضیه‌ای علیه جمهوری عربی مصر، مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری، استدلال دولت مصر را - در این خصوص که مسئول اعمال برخی مقامات عالی رتبه نیست - رد کرد (همان: ۲۶۱).

در واقع برای سلب مسئولیت دولت نمی‌توان به قانون داخلی استناد کرد و در این خصوص باید با احتیاط عمل نمود تا موجبات مسئولیت بین‌المللی دولت فراهم نگردد. تا اینجا روشن شد که امکان طرح دعوی برای آسیب دیدگان از بمباران عراق در جنگ با ایران وجود دارد. اما نکته مهم در ضمانت اجرای این رأی می‌باشد. باید گفت مسئله مصونیت دولت‌ها نیز مانعی بر سر احقاق حقوق آسیب دیدگان ایجاد کرده، اموال دولت‌ها

۱ طرح دعوی حمیده گودرزی از بمباران شیمیایی سردشت که در زمان کودکی وی صورت گرفته و متحمل آسیب‌های فراوانی شده است. این شکایت پس از بررسی در شعبه ۵۵ حقوقی تهران - ویژه امور بین‌الملل - به صدور رأی و پرداخت خسارت تنبیهی، منتهی شده است.

را از هرگونه توقیف و مصادره مصون داشته است^۱، مگر آنکه مطابق ماده ۷ کنوانسیون مصونیت دولت‌ها به اعمال صلاحیت دادگاه دولت دیگر نسبت به یک موضوع یا پرونده رضایت داده باشد در آن صورت نمی‌تواند به مصونیت خود اکتفاء کند. در این خصوص لازم است تا به یک رأی دیوان بین‌المللی دادگستری - آلمان علیه ایتالیا^۲ - اشاره شود که در سال ۲۰۱۲ صادر شد و شاید بتوان گفت مَهر دیگری بر مسئله اصل مصونیت دولت‌ها به شمار می‌رود.

قضیه از آنجا آغاز می‌شود که در پرونده معروف به «فرینی» دادگاه‌های ایتالیا ضمن اعلام صلاحیت خود نسبت به دعاوی جبران خسارت اشخاصی که در جنگ دوم جهانی برای انجام کار اجباری از آلمان تبعید شده بودند، نسبت به محکوم کردن و توقیف اموال کشور آلمان اقدام کردند و کاخ ویگنی که در ایتالیا قرار داشت و متعلق به دولت آلمان بود را به نفع خسارت دیدگان، توقیف نمودند. در پی آن دولت آلمان به دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت کرد و سرانجام رأی صادره در بهت و حیرت مدافعان حقوق بشر به نفع دولت آلمان و به نفع اصل مصونیت دولت‌ها صادر شد. اما به هر حال و با تمامی این مسائل آراء صادره ممکن است بدون اجرا باقی نماند. به هر حال بدیهی است علیرغم آنکه قوانین بین‌المللی در این زمینه پیچیده است اما امکان احقاق حق برای خسارت دیدگان از طریق دادگاه‌های داخلی امکان پذیر است و ایجاد این شرایط از سوی قوه قضاییه و راه اندازی ش عبات ویژه امور بین‌الملل، نه تنها عملی حقوق بشری است بلکه به بازماندگان و خسارت دیدگان این امکان را می‌دهد تا با صرف کمترین هزینه و زمان بتوانند حقوق قانونی خود را مطالبه کنند و موانع موجود در قوانین بین‌المللی مانند اصل مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها نمی‌تواند سدی محکم بر سر راه این حرکت باشد. اگر چه یادآوری این نکته لازم است که این افراد می‌توانند در دادگاه‌های عراق نیز طرح

۱ ماده به کنوانسیون مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها مقرر می‌دارد: «یک دولت در رابطه با خود و اموال خویش از صلاحیت محاکم دولت دیگر با رعایت مفاد این کنوانسیون از مصونیت برخوردار می‌باشد».

دعوی نموده و مطالبه خسارت نمایند و چنانچه این طرح دعوی به نتیجه نرسید می‌توان از طریق حمایت دیپلماتیک نسبت به احقاق حق این افراد اقدام کرد^۱.

امکان‌سنجی طرح دعوی حقوقی بین‌المللی

پس از جنگ دوم جهانی و ایجاد سازمان ملل متحد، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی متعددی به منظور تحقق هدفهای معین و مشترک در زمینه‌های مختلف تأسیس شد. همچنین با شکل‌گیری سازمان ملل متحد، دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان رکن قضایی دیوان ایجاد شد. در این مبحث، امکان پیگیری دعوی بین‌المللی ایران علیه دولت عراق از طرق غیر قضایی و حقوقی بررسی می‌شود.

مطالبه حق از طریق روش‌های غیرقضایی

ماده ۳۳ منشور سازمان ملل متحد به منظور پایداری صلح و امنیت بین‌المللی، اعضاء سازمان را که ممکن است در آمري با یکدیگر اختلاف داشته باشند، به حل آن اختلاف از طریق روش‌های مسالمت آمیز دعوت کرده است. این روش‌ها عبارتند از، مذاکره، میانجی‌گری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به مؤسسات و ترتیبات منطقه‌ای. روشهای مذاکره، میانجی‌گری و سازش، روش‌های غیرقضایی هستند که کشورها در نخستین مرحله اختلاف به آن‌ها متوسل می‌شوند. این روش‌ها به طور معمول کم هزینه و در صورت همکاری طرفین، در اسرع وقت به نتیجه خواهند رسید. در میان این روش‌ها قدیمی‌ترین و رایج‌ترین طریق، مذاکره است.

روش مساعی جمیله یا پایمردی روش دیگری است که هنگامی که مذاکرات به بن بست می‌خورد کشوری ثالث بدون دخالت مستقیم، طرفین را به ادامه مذاکره و حل اختلاف

۱ حمایت دیپلماتیک، عبارت است از کلیه اقدامات دیپلماتیک یک کشور نزد کشور دیگر برای احقاق حق اتباع خود و حمایت از آن‌ها که در قلمرو کشور خارجی مورد تعدی و تجاوز قرار گرفته‌اند.

ترغیب می‌کند. در شیوه میانجی‌گری کشور ثالث با دخالت مستقیم در روند مذاکرات در حل اختلاف و رسیدن به توافق به طرفین کمک می‌کند و سرانجام سازش شامل تعهد کشورها در حل اختلافات آینده از طریق کمیسیون سازش است.

همان گونه که مشاهده می‌شود، در موضوع حمله عراق به ایران و بمباران شهرهای ایران و نقض حقوق کودکان در آن زمان، دولت ایران می‌تواند با دولت فعلی عراق، به مذاکره بنشیند و چنانچه اختلافات با مذاکره حل نشد و دولت عراق حاضر به قبول مسئولیت و پرداخت غرامت نگردید، با توسل به سایر روش‌ها مانند مساعی جمیله و میانجی‌گری موجبات حل این اختلاف از روش‌های غیر قضایی و دیپلماتیک را فراهم کند. بدیهی است که روش‌های غیر قضایی زودتر و با هزینه کمتر خسارت دیدگان را به حق خویش خواهد رساند. اما در مورد سازش از آنجا که دولت ایران از زمان شکل‌گیری با دولت عراق وارد جنگ شده و موجباتی برای توافق بر سر حل اختلاف از طریق کمیسیون سازش فراهم نبوده است، بنابراین، این روش نمی‌تواند کارآمدی لازم را داشته باشد. روشن است که البته کشورها در انتخاب روش‌های حل اختلاف که به موجب منشور سازمان ملل متحد توصیه شده است مختار بوده و می‌توانند حتی پیش از اقدام به حل اختلاف از طریق غیرقضایی، در بدو امر روش حل اختلاف حقوقی را برگزینند.

مطالبه حق از طریق روش‌های قضایی

شکل‌گیری نهادهای قضایی بین‌المللی همانند دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان داوری بین‌المللی و غیره باعث شده است تا راه‌هایی مختلف برای حل اختلافات بین‌المللی وجود داشته باشد و کشورها در صورتی که از طرق غیر قضایی نتوانند اختلاف میان یکدیگر را حل کنند، به نهادهایی همچون دیوان بین‌المللی دادگستری و داوری مراجعه کنند. همچنین جنایات به وقوع پیوسته در خلال جنگ‌ها به ایجاد یک نهاد دائمی به نام دیوان کیفری بین‌المللی منجر گردید که مطابق اساسنامه و با توجه به صلاحیت ذاتی خود پیگیر جرائم است.

نحوه پیگیری نظام جمهوری اسلامی ایران در دیوان بین‌المللی دادگستری

به موجب ماده ۷ منشور سازمان ملل متحد، دیوان بین‌المللی دادگستری از ارکان اصلی سازمان ملل متحد به شمار آمده، اساسنامه این دیوان جزء لاینفک منشور ملل متحد است. این بدان معناست که شرط پذیرش منشور و عضویت در سازمان ملل متحد، پذیرش بی شرط اساسنامه دیوان و صلاحیت آن نهاد در حل و فصل اختلافات بین‌المللی تلقی می‌شود. این اصل به تأیید رسمی دیوان بین‌المللی دادگستری رسیده است، از جمله در ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۲ دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه شرکت نفت انگلیس و ایران که بنا بر آن «دیوان نمی‌تواند قضاوت خود را نسبت به کشوری که به این امر رضایت ندارد، اعمال کند» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۵۱۸).

اما دو نکته مهم در رسیدگی قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری وجود دارد و باید مدنظر قرار گیرد؛

نخست آنکه، به موجب ماده ۳۴ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری تنها دولت‌ها می‌توانند به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کنند. این بدان معناست که اشخاص حقیقی نمی‌توانند از کشورها در دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت نمایند؛

دوم، رسیدگی در دیوان به رضایت طرفین اختلاف، منوط است و چنانچه یکی از طرفین اختلاف به دیوان مراجعه کند و طرف دیگر رضایتی مبنی بر رسیدگی دیوان نداشته باشد، دیوان صلاحیت رسیدگی نخواهد داشت، اما در خصوص صلاحیت موضوعی دیوان به استناد ماده ۳۶ دیوان برای رسیدگی به موضوعات ذیل، صلاحیت دارد:

الف) تفسیر یک معاهده؛

ب) هر مسئله‌ای که موضوع حقوق بین‌الملل باشد؛

ج) حقیقت هر امری که در صورت اثبات، نقض یک تعهد بین‌المللی به شمار آید؛

د) نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی پرداخت شود.

تاکنون مشخص شد که دیوان صلاحیت موضوعی برای رسیدگی و تعیین میزان غرامت دارد و می‌تواند در صورت شکایت ایران و رضایت دولت عراق پس از رسیدگی به قضیه، به محکومیت عراق رأی صادر کرده، میزان غرامت را تعیین کند. در این باره، تذکر دو نکته لازم است: نخست، موضوع مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در پی نقض یک تعهد بین‌المللی است که طبق مواد ۲ و ۳ راجع به مسئولیت بین‌المللی کشورها مصوب سال ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل، «هر عمل متخلفانه یک کشور مسئولیت بین‌المللی آن کشور را موجب می‌شود. عناصر این عمل متخلفانه عبارت است از رفتاری که به موجب حقوق بین‌الملل، متضمن فعل یا ترک فعل قابل انتساب به دولت بوده و آن رفتار نقض یک تعهد بین‌المللی دولت باشد».

روسو استاد حقوق عمومی فرانسه در مقام تعریف مسئولیت دولت می‌گوید: «مسئولیت بین‌المللی از ابداعات حقوقی است که به موجب آن دولت ناقض یک قاعده بین‌المللی موظف است خسارت حقوقی ناشی از این نقض را در قبال اتباع دولت دیگری جبران کند» (مدنی، ۱۳۸۸: ۲۷۹).

با توجه به آنکه دولت عراق در موضوع حمله تجاوزکارانه به ایران و بمباران شهرها و کشتار کودکان مرتکب نقض تمامی تعهدات بین‌المللی خود شده است، بنابراین از دیدگاه حقوق بین‌الملل مرتکب عمل متخلفانه شده، در برابر آن مسئول است و برای رفع این مسئولیت باید در مسیر جبران خسارت آسیب دیدگان گام بردارد. همانند دولت آلمان که در حال پرداخت غرامت به بازماندگان جنگ دوم جهانی است.

دوم آنکه، همان گونه که بیان شد افراد نمی‌توانند به دیوان بین‌المللی دادگستری مراجعه کنند و تنها دولت‌ها حق رجوع به دیوان و طرح دعوی در آن را دارند، به نظر می‌رسد مسئله حمایت دیپلماتیک که پیشتر در مورد آن صحبت شد می‌تواند در این قضیه راهگشا باشد. تا به امروز چهار قضیه در دیوان مطرح شده که ایران طرف آن‌ها بوده است (دو بار در جایگاه خواهان و دو بار در مقام خوانده):

۱- قضیه ملی شدن نفت و دعوی ایران و انگلیس (۱۹۵۲-۱۹۵۱)؛

۲- قضیه کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران (۱۹۷۹) (۱۹۸۱)؛

۳- سانحه هوایی ۳ ژولای ۱۹۸۸ (۱۹۹۹-۱۹۸۹)؛

۴- قضیه سکوهای نفتی ۱۹۸۷ (۲۰۰۳-۱۹۹۲).

در نتیجه آشکار است که ایران اراده‌ای جدی برای طرح شکایت در دیوان ندارد. البته شاید هیچ یک از اتباع ایران نیز تا به امروز در دادگاه‌های عراق طرح دعوی نکرده باشند تا در صورت بی نتیجه بودن آن، مقدمات حمایت دیپلماتیک و به تبع آن طرح دعوی در دیوان فراهم آید. وضعیت عراق نشان می‌دهد که در زمان صدام حسین امکان این امر فراهم نبود و پس از تحولات سیاسی در عراق، شرایط بی ثباتی و جنگ در این کشور به گونه‌ای بوده، که ایران کمک‌های بسیاری به مردم آن کشور که خود قربانی ستم صدام بوده اند، کرده است.

طرح شکایت و نحوه پیگیری در دیوان کیفری بین‌المللی

پس از موفقیت در دادگاه موقت «دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا» که نقشی مهم در رسیدگی به جنایات به وقوع پیوسته در این دو کشور داشتند، عزمی جهانی برای تأسیس نهادی مستقل و دائم برای رسیدگی به جنایات ناشی از جنگ به وجود آمد که در سال ۱۹۹۸ به شکل‌گیری دیوان کیفری بین‌المللی، منجر شد.

در تفاوت این دادگاه با دیوان بین‌المللی دادگستری باید گفت، در حالی که در دیوان بین‌المللی دادگستری این دولت‌ها هستند که علیه یکدیگر اقامه دعوی می‌کنند و افراد نقشی مهم در مقابل آن ندارند، در دادرس‌های دادگاه کیفری بین‌المللی افراد نه تنها در جایگاه متهم بلکه در مقام قربانی نقشی مهم بر عهده دارند. به علاوه دادگاه کیفری بین‌المللی مستقل و دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی است و بر خلاف دیوان بین‌المللی دادگستری، یکی از ارگان‌های تابعه سازمان ملل متحد نیست، هر چند سازمان ملل متحد نقشی مهم در تأسیس آن داشته است (صادقی، ۱۳۸۸: ۳۶).

دادگاه کیفری بین‌المللی زمانی صلاحیت رسیدگی به یک ش کایت را دارد که دادگاه صالح داخلی نخواهد یا نتواند مجرمان را تحت تعقیب قرار داده، محاکمه نماید، در آن صورت دادگاه کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی را پیدا می‌کند.

موضوع دیگری که درباره صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی باید به آن توجه داشت، آن است که مطابق اساسنامه، این دیوان صلاحیت رسیدگی به چهار جرم اصلی یعنی نسل‌کشی، جنایات ضد بشریت، جنایات جنگی و تجاوز ارضی را دارد. جرایم مشمول صلاحیت دیوان علاوه بر تعریف، شامل عناصر تشکیل دهنده نیز می‌شود که در اساسنامه احصاء شده است. در ادامه، شرایط شکایت از دولت عراق به دلیل بمباران شهرهای ایران و کشتار کودکان در دیوان کیفری بین‌المللی بررسی می‌شود.

بنا به تعاریف ارائه شده در اساسنامه دیوان، جرائم به وقوع پیوسته در حمله عراق به ایران ممکن است بنا به مورد، هر یک از عناوین جرائم مشمول صلاحیت رسیدگی دیوان را در بر گیرد:

الف) جرم نسل‌کشی:

جرم نسل‌کشی مطابق ماده ۶ اساسنامه بیشتر شامل موارد نابودسازی فیزیکی است، اما تفاوتی اساسی با سایر موارد دارد و آن اینکه در شکل‌گیری جرم نسل‌کشی سوءنیت خاص لازم است و تعداد قربانی‌ها مطرح نیست. با وجود این، اگر بمباران شهرهای ایران به قصد نابودسازی یک گروه قومی، ملی، مذهبی یا نژادی صورت گرفته باشد در آن صورت بدون در نظر گرفتن تعداد قربانی‌ها عمل صورت گرفته نسل‌کشی به شمار آمده، مشمول صلاحیت رسیدگی دیوان می‌شود.

دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا در پرونده آکایسو^۱ به تعریف هر یک از چهار گروه ذکر شده، پرداخت (همان: ۹۴). با وجود این، مشاهده می‌شود که وضعیت مردم ایران مشمول جنایات یادشده نیست و تنها عاملی که منجر به قطعیت جرم نسل‌کشی در این خصوص می‌گردد، سوء نیت خاص به هنگام انجام عمل یادشده است. برای نمونه،

چنانچه بمباران شیمیایی سردشت، با قصد کشتن گروه‌های کرد صورت گرفته باشد، بی تردید جرم صورت گرفته، نسل کشی به شمار می‌آید و پیگرد آن در دیوان کیفری بین‌المللی ممکن است.

ب) جنایت بر ضد بشریت:

بند (۱) ماده ۷ اساسنامه دیوان به احصاء موارد جنایت علیه بشریت اقدام کرده است. این موارد شامل: قتل، نابودسازی، شکنجه، به بردگی گرفتن، اخراج یا انتقال اجباری جمعیت، محبوس کردن یا محروم کردن شدید دیگری از آزادی فیزیکی، خشونت جنسی، آزار و اذیت، ناپدید کردن اجباری اشخاص، تبعیض نژادی و اعمال غیر انسانی مشابه است. همان گونه که مشاهده می‌شود، بمباران شهرهای ایران شامل قتل و نابودسازی می‌شود که از عناصر تشکیل دهنده جرم جنایت بر ضد بشریت است. بنابراین، می‌توان علیه دولت عراق با آمران به جنایت بر ضد بشریت در دیوان کیفری بین‌المللی ش کایت کرد. البته تذکر این نکته لازم است که برای تحقق عنصر روانی جنایات علیه بشریت، علاوه بر لزوم قصد ارتکاب جرایم ذکر شده، اثبات علم وی به وجود یک حمله گسترده یا سازمان یافته نسبت به یک جمعیت غیرنظامی نیز ضروری است. بدین ترتیب هرگاه مرتکب، یکی از این اعمال را انجام داده ولی نداند که آن‌ها بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان یافته علیه جمعیت غیر نظامی است، ممکن است در محاکم داخلی به ارتکاب قتل یا تجاوز جنسی و نظایر آن‌ها محکوم شود و حتی در صورت وجود شرایط لازم به ارتکاب یک جرم جنگی در دادگاه کیفری بین‌المللی محکوم گردد، لیکن محکوم کردن وی به ارتکاب جنایات ضد بشریت به دلیل علم نداشتن نسبت به وجود حمله، ممکن نخواهد بود (همان: ۱۲۴).

ج) جنایت جنگی:

مطابق بند (۲) ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، جنایات جنگی در طول منازعات مسلحانه بین‌المللی شامل دو دسته می‌شود: نخست، مواردی که منجر به نقض تعهدات مندرج در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ می‌گردد؛ و دوم، موارد نقض و عرف حاکم بر نزاع‌های بین‌المللی است. جرایمی که مشمول جنایات جنگی می‌باشد در دو دسته تقسیم

شده است: دسته اول، در بند (a۲) ماده ۸ اساسنامه که شامل کشتن عمدی، شکنجه یا رفتار غیرانسانی، تخریب اموال، ایراد صدمات شدید به جسم و سلامت افراد، تصاحب گسترده اموال که این مقررات منطبق با مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو است؛ دسته دوم، در بند (b۲) ماده ۸ بیان شده است که شامل حمله به مناطق و افراد غیرنظامی، بمباران مناطق غیرنظامی، کشتن رزمندگانی که سلاح خود را به زمین گذاشته‌اند، حمله به ساختمان‌های مذهبی و علمی مانند مدارس و دانشگاه‌ها و نظایر آن است.

(د) تجاوز ارضی:

قطعنامه تجاوز، جرم تجاوز را چنین تعریف می‌کند: «تجاوز عبارت است از کاربرد نیروی مسلح توسط یک دولت علیه حاکمیت، تمامیت ارضی، با استقلال سیاسی دولتی دیگر، یا کاربرد آن از دیگر راه‌های مغایر با منشور ملل متحد، آنچنان که در این تعریف آمده است. درباره معیار تعریف تجاوز باید گفت، معیارهای تشخیص تجاوز و رکن مسئول تشخیص آن در ماده ۲ تعریف تجاوز آمده است که مقرر می‌دارد: «پیش دستی یک دولت در کاربرد نیروی مسلح مغایر با منشور، نشانه اولیه اقدامی تجاوزکارانه به شمار خواهد آمد، گرچه شورای امنیت طبق منشور می‌تواند نتیجه بگیرد که احراز وقوع تجاوز با توجه به دیگر شرایط مربوط از جمله کافی نبودن شدت اقدامات به عمل آمده یا نتایج آن‌ها، توجیه پذیر نیست».

بی‌تردید، عملکرد دولت عراق در قبال حمله به ایران تجاوز ارضی به شمار آمده، با معیارهای ارائه شده در تعریف جرم تجاوز منطبق است. افزون بر آن، دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند آن را پیگیری کند، اما از آنجا که جرم تجاوز به تازگی تعریف شده و معیارهای آن مشخص شده است، بنابراین، تاکنون امکان پیگیری این جرم در دادگاه کیفری بین‌المللی وجود نداشت. اما هم اکنون و با تعریف این جرم، دیوان صلاحیت رسیدگی به آن را نیز دارد. بدیهی است شکایت از دولت عراق و آمران به بمباران مدارس و کشتار کودکان می‌تواند بیش از همه موارد یادشده، با ادعای ارتکاب جنایت جنگی پیگیری شود و اگر با سوء نیت خاص مبنی بر علم به وجود یک حمله گسترده یا سازمان

یافته نسبت به یک جمعیت غیرنظامی همراه بوده باشد حتی می‌تواند عنوان «جنایت علیه بشریت» را هم بگیرد.

بر خلاف دیوان بین‌المللی دادگستری که طرح شکایت در آن منوط به تقدیم دادخواست دولت ایران است، طرح دعوی در دیوان کیفری بین‌المللی توسط افراد هم امکان پذیر است. تاکنون یک پرونده در دیوان کیفری بین‌المللی در خصوص آسیب دیدگان بمباران شیمیایی سردشت گشوده شده است و تعقیب کیفری کسانی که آمران این بمباران بوده‌اند، همچنین مواد شیمیایی به دولت صدام حسین فروخته‌اند در حال پیگیری است و در یک مورد نیز علیه یکی از آن‌ها به نام «فرانس وان آن رات» به اتهام مشارکت در جنایات علیه شهروندان ایرانی حکم صادر شده است. از آنجا که ممکن است آمران اصلی بمباران مدارس در دادگاه عراق محکوم شده یا در خلال جنگ کشته شده باشند، امکان طرح دعوی علیه سایرین محفوظ است، به خصوص آنکه مرور زمان در امکان مطالبه حق آسیب دیدگان تأثیر ندارد.

طرح دعوی و پیگیری تعقیب در دیوان کیفری بین‌المللی با بهره‌گیری از شیوه‌های ذیل، ممکن است:

۱. از جانب یکی از کشورهای عضو: هر یک از اعضا می‌توانند به تنهایی موضوعی (ارتکاب جرمی مطابق تعریف اساسنامه دیوان) را به دیوان ارجاع دهند، مشروط بر آنکه آن جرم در خاک یکی از دولت‌های عضو یا توسط تبعه یکی از کشورهای عضو انجام شده باشد. در این مورد یکی از این دو شرط کفایت می‌کند. همچنین می‌توان حالتی را در نظر گرفت که جرم توسط اتباع یک دولت عضو و در خاک یک کشور غیرعضو رخ داده است، در این حالت نیز به صرف تقاضای هر یک از دولت‌های عضو، موضوع در صلاحیت قضایی دیوان قرار می‌گیرد. همچنین است اگر جرم توسط اتباع یکی از دولت‌های عضو در خاک همان کشور با سایر کشورهای عضو واقع شده باشد.

۲. از جانب دادستان: دادستان دیوان نیز در هر یک از حالت‌های بالا می‌تواند به طور انفرادی و بدون دخالت دولت‌های عضو موضوع را به طور مستقیم به دیوان ارجاع دهد.

۳. از جانب یک دولت غیرعضو: هر دولت غیرعضو که جرم در قلمرو آن یا توسط تبعه آن کشور به وقوع پیوسته باشد، می‌تواند به موجب اساسنامه دیوان، با سپردن اعلامیه‌ای نزد رئیس دبیرخانه، اعمال صلاحیت دادگاه را نسبت به آن جرم بپذیرد.

۴. از جانب شورای امنیت سازمان ملل متحد: شورای امنیت می‌تواند در چارچوب وضعیت‌های خاص بدون توجه به محل ارتکاب جرم یا تابعیت مجرم، به موجب اساسنامه دیوان، موضوعی را برای تحقیقات به دادستان دیوان ارجاع دهد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، هم دولت‌ها و دادستان دیوان و همین‌طور شورای امنیت می‌تواند در یک موضوع مشمول صلاحیت دیوان طرح دعوی کند، اما بدیهی است تعقیب و پیگیری امر پس از طرح دعوی با دادستان دیوان و مجموعه دادرسی دیوان است. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، برخلاف دیوان بین‌المللی دادگستری، اشخاص هم می‌توانند در آن طرح دعوی کنند. بنابراین، هم اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی همانند سازمان‌های غیردولتی و غیرانتفاعی (ان. جی. ا^۱) در مقام دفاع و حمایت از قربانیان می‌توانند با جلب نظر دادستان درخواست پیگیری امر را از سوی دیوان کنند.

توسل به نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای

اعتقاد به ایدئولوژی واحد برقراری تعاملات منطقه‌ای و تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای را در پی داشته است. از آن میان می‌توان به «سازمان کنفرانس اسلامی» و «جنبش عدم تعهد» اشاره کرد که ممکن است در احقاق حقوق آسیب دیدگان مؤثر باشد. از آنجا که اهداف

اصلی این نهادها کمک به اعضاء برای حفظ کرامت و استقلال و حقوق ملی خود است بنابراین تعاملات کشورها در این نهادها می‌تواند در همبستگی کشورها و حل اختلافات احتمالی مؤثر باشد (بیگ زاده، ۱۳۸۹: ۸۹۸).

البته حل اختلاف در این نهادها بیشتر مبتنی بر اصول دیپلماتیک است و می‌تواند بیشتر در حل اختلافات غیرقضایی مؤثر باشد؛ برای نمونه، به مذاکرات جهت داده و به هنگام بن بست در مذاکرات از طریق میانجی‌گری یا مساعی جمیله تأثیرات مثبت در رسیدن به توافق و حل اختلاف ایفا کند.

البته یادآوری این نکته لازم است که این امر منوط به درخواست ایران و پیگیری دولت و به خصوص وزارت امور خارجه است که در جهت احقاق حقوق بازماندگان آسیب دیدگان اقدام نماید و دولت عراق را مجبور کند تا با پذیرش خسارت وارده نسبت به پرداخت غرامت اقدام کند.

نتیجه‌گیری

اگر چه به لحاظ تاریخی و مکانی جنایت بمباران مدارس شهرهای مختلف ایران بارها و در شهرهای مختلف به وقوع پیوست، اما به لحاظ حقوقی و به خصوص حقوق بین‌الملل همگی یک عمل مخالف موازین بین‌المللی حقوق کودک و به طور کلی حقوق بشردوستانه و حقوق بشری به شمار می‌آید. البته می‌توان اذعان داشت که تکرار این عمل وحشیانه می‌تواند مجازات عاملان و مسببان حوادث یادشده را تشدید کند. این در حالی است که در طی حملاتی از این قبیل، بارها رژیم عراق با بمباران‌های هوایی خود، مدارس شهرهای مختلف از جمله میانه، بروجرد، بهبهان، نهاوند و... را هدف قرار داد و صدها تن از کودکان دانش آموز را شهید یا دچار معلولیت‌های جسمی کرد.

با آغاز جنگ تجاوزکارانه و تحمیلی عراق علیه ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، حملات هوایی و توپخانه‌ای علیه مناطق مسکونی شهرهای ایران و غیرنظامیان آغاز شد. همچنین شکست سنگین ارتش عراق در عملیات‌های پی در پی به ویژه در عملیات کربلای ۵ این کشور را بر آن داشت تا بار دیگر جنگ را از میدان نبرد به پشت جبهه‌ها و شهرها

بکشاند. برای نمونه، جنگنده‌های رژیم بعثی عراق مدارس شهرهای مختلف ایران را آماج بمباران هوایی خود قرار دادند که از آن جمله می‌توان به مدرسه ناشنویان شهید فیاض بخش در شهرستان بروجرد، دو مدرسه دخترانه در شهرستان میانه و یک مدرسه راهنمایی در شهرستان بهبهان اشاره کرد.

بر روی هم، باید گفت که جنگ و به خصوص بمباران مناطق مسکونی همچون مدارس، علاوه بر کشتار و خشونت، بر همه زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی زندگی تأثیر می‌گذارد و آسیب دیدگان بیشتر زنان و کودکان هستند. در جنگ علاوه بر آنکه حق حیات و سلامت کودک در معرض خطر قرار می‌گیرد بلکه سایر حقوق نیز دستخوش آسیب و تعرض می‌گردد، از طرفی خشونت‌های اعمال شده ممکن است به کشته شدن یا مجروح و معلول شدن کودک منجر شود که مهم‌ترین حقوق انسانی از جمله آموزش و پرورش وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه می‌توان ادعان داشت که با بمباران هوایی مدارس شهرهای مختلف ایران، حق برخورداری از آموزش کودکان به سبب تخریب مدارس نقض شده است که باعث ظهور آثار و پیامدهای منفی مخاصمات مسلحانه همچون از هم پاشیده شدن خانواده و جدا شدن کودک از محیط خانوادگی و آوارگی و بی خانمانی نیز شده است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه امری بدیهی و اجتناب ناپذیر و همچنین از جمله قواعد آمره در دستورات جهادی اسلام محسوب می‌شود، و به همین جهت است که شارع مقدس در راستای حمایت از کودکان همچنین زنان در مخاصمات مسلحانه، مصونیتی خاص برای آن‌ها قائل شده است و آنان را مصون از تعرض می‌داند. قوانین اسلام نشان می‌دهد حتی در اوج درگیری‌ها و مخاصمات مسلحانه صیانت از حق حیات و کرامت انسانی کودکان الزام آور و در زمره قواعد آمره حقوق بشردوستانه اسلام محسوب می‌شود.

به هر حال با آنکه قوانین بین‌المللی در زمینه مسئولیت دولت‌ها بسیار پیچیده است اما امکان احقاق حق برای خسارت دیدگان از طریق دادگاه‌های داخلی امکان پذیر است و ایجاد این شرایط از سوی قوه قضاییه و راه اندازی شعبات ویژه امور بین‌الملل، نه تنها عملی حقوق بشری است بلکه به بازماندگان و خسارت دیدگان این امکان را می‌دهد تا با

صرف کمترین هزینه و زمان بتوانند حقوق قانونی خود را مطالبه کنند و موانع موجود در قوانین بین‌المللی مانند اصل مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها نمی‌تواند سدی محکم بر سر راه این حرکت باشد. از سوی دیگر، در مطالبه حق از طریق روش‌های غیرقضایی، ماده ۳۳ منشور سازمان ملل متحد به منظور پایداری صلح و امنیت بین‌المللی، آن دسته از اعضای سازمان را که ممکن است در امری با یکدیگر اختلاف داشته باشند، به حل اختلاف با بهره‌گیری از روش‌های مسالمت‌آمیز دعوت می‌کند. این روش‌ها عبارتند از مذاکره، میانجی‌گری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به مؤسسات و ترتیبات منطقه‌ای. همچنین با شکل‌گیری نهادهای قضایی بین‌المللی همانند دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان داوری بین‌المللی و غیره امروزه راه‌هایی مختلف برای حل اختلافات بین‌المللی وجود دارد که کشورها در صورتی که از راه‌های غیرقضایی نتوانند اختلاف میان یکدیگر را حل کنند می‌توانند به نهادهایی همچون دیوان بین‌المللی دادگستری و داوری مراجعه کنند.

به موجب ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، تنها دولت‌ها می‌توانند به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کنند و رسیدگی در دیوان منوط به رضایت طرفین اختلاف است و چنانچه یکی از طرفین اختلاف به دیوان مراجعه کند و طرف دیگر رضایتی مبنی بر رسیدگی دیوان نداشته باشد، دیوان صلاحیت رسیدگی نخواهد داشت. اما در مورد صلاحیت موضوعی دیوان به استناد ماده ۳۹، دیوان جهت رسیدگی به موضوعات ذیل صلاحیت دارد: الف) تفسیر یک معاهده؛ ب) هر مسئله‌ای که موضوع حقوق بین‌الملل باشد؛ ج) حقیقت هر امری که در صورت اثبات، نقض یک تعهد بین‌المللی به شمار آید؛ د) نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی پرداخته شود.

تاکنون مشخص شد که دیوان صلاحیت موضوعی برای رسیدگی و تعیین میزان غرامت دارد و می‌تواند در صورت شکایت ایران و رضایت دولت عراق در رسیدگی به قضیه، رأی به محکومیت عراق داده، میزان غرامت را تعیین کند. همچنین در دادرسی‌های دادگاه کیفری بین‌المللی افراد نه تنها در جایگاه متهم بلکه در مقام قربانی نقشی مهم بر عهده دارند. مطابق آنچه در مقدمه اساسنامه و ماده ۱ همچنین مواد ۱۷ تا ۱۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی آمده است، صلاحیت این دیوان «صلاحیت تکمیلی» می‌باشد. موضوع

دیگری که در خصوص صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی باید مد نظر قرار گیرد آن است که مطابق اساسنامه، این دیوان صلاحیت رسیدگی به چهار جرم اصلی یعنی نسل‌کشی، جنایات ضد بشریت، جنایات جنگی و تجاوز ارضی را دارد. البته جرایم مشمول صلاحیت دیوان علاوه بر تعریف، شامل عناصر تشکیل دهنده نیز می‌شود که در اساسنامه احصاء شده است. طرح دعوی و پیگیری تعقیب در دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند از جانب یکی از کشورهای عضو، دادستان، یک دولت غیر عضو یا از جانب شورای امنیت سازمان ملل متحد مطرح شود. در نتیجه هم اشخاص حقیقی و هم اشخاص حقوقی همانند سازمان‌های غیردولتی و غیرانتفاعی (ان.جی.ا) در مقام دفاع و حمایت از قربانیان می‌توانند با جلب نظر دادستان درخواست پیگیری امر را از سوی دیوان کنند.

بر روی هم، می‌توان اذعان داشت که وقوع موارد نقض گسترده حقوق کودکان در مدارس شهرهای ایران به واسطه بمباران هوایی رژیم عراق، به دلیل نبود اسناد بین‌المللی که متضمن صیانت از حقوق کودکان به ویژه در وضعیت جنگ باشد، نیست. بلکه مسئله، چنانچه در طول هشت سال جنگ تحمیلی در موارد بسیاری از اعمال تجاوزات وحشیانه رژیم صدام مشاهده شد، رعایت نشدن موازین بین‌المللی و نبود اراده قاطع سازمان ملل متحد است.

در پایان، یادآوری این نکته لازم است که با توجه به آنکه دولت عراق در موضوع حمله تجاوزکارانه به ایران و بمباران شهرها و کشتار کودکان مرتکب نقض تمامی تعهدات بین‌المللی شده است، بی‌تردید، تمام حملات رژیم عراق به اهداف و افراد غیرنظامی، عمدی بوده است که خود نقض مسلم حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود. بنابراین بر اساس حقوق بین‌الملل مرتکب عمل مجرمانه شده، در قبال آن مسئول است و برای رفع این مسئولیت باید در مسیر جبران خسارت آسیب دیدگان گام بردارد. طرح دعوی ایران علیه دولت عراق منوط به درخواست ایران و پیگیری دولت و به خصوص وزارت امور خارجه است که در جهت احقاق حقوق بازماندگان آسیب دیدگان اقدام نماید و دولت عراق را مجبور کند تا با پذیرش خسارت وارده، نسبت به پرداخت غرامت اقدام نماید. البته دولت فعلی عراق روابطی بسیار خوب با ایران دارد و از آنجا که خود قربانی ستم رژیم پیشین است، در صورت درخواست ایران، همکاری لازم را خواهد داشت. با وجود این، راه طرح

دعوی و احقاق حق در دیوان وجود دارد اما از آنجا که شرایط اعمال این شیوه پیچیده و توأم با تشریفات خاص است همچنین یک دعوای بین‌المللی به شمار می‌رود، از این رو انجام این شیوه و انتخاب آن نیاز به زمان بیشتر، حضور حقوق دانان خبره حقوق بین‌الملل و مرتفع نمودن موانع در رسیدن به حق از طریق سایر شیوه‌های غیرقضایی دارد.

راهکارها و پیشنهادها

۱. تشکیل سازمان‌های مردم نهاد برای پیگیری وضعیت آسیب دیدگان و بازماندگان ناشی از بمباران کودکان.
۲. تشکیل کمیته‌ای ویژه از سوی دولت برای تحقیق و بررسی وضعیت آسیب دیدگان و برآورد غرامت احتمالی.
۳. شکایت آسیب دیدگان ایرانی و بازماندگان آنها از دولت عراق در دادگاه‌های ویژه بین‌المللی.
۴. طرح شکایت آسیب دیدگان و افراد مرتبط در دادگاه‌های داخلی عراق.
۵. حمایت دیپلماتیک دولت ایران و انجام مذاکره با دولت عراق برای احقاق حقوق افراد آسیب دیده در صورتی که طرح شکایت در دادگاه‌های داخلی عراق به نتیجه مناسب نرسد.
۶. کمک گرفتن از شیوه‌های حل و فصل اختلافات مانند میانجی‌گری و مساعی جمیله در صورت بن بست در مذاکرات.
۷. طرح دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری در صورت ناکامی در مذاکرات به منظور اثبات مسئولیت دولت عراق.
۸. شکایت افراد و سازمان‌های مردم نهاد از عاملان بمباران کودکان، به دلیل ارتکاب جنایت جنگی در دیوان کیفری بین‌المللی.

۹. تلاش ایران برای عضویت در دیوان کیفری بین‌المللی به منظور تأثیر بهتر در پیگیری قضیه.
۱۰. شکایت از دولت عراق به اتهام تجاوز جنگی در دیوان کیفری بین‌المللی و تلاش دولت ایران برای جلب نظر و حمایت شورای امنیت، تا دیوان بتواند صلاحیت رسیدگی به این امر را به دست آورد.
۱۱. طرح دعوی در دیوان داوری بین‌المللی به منظور حل و فصل اختلاف.
۱۲. رسانه‌ای کردن موضوع و تلاش برای آگاه کردن افکار عمومی جهان به منظور تأثیرگذاری بر آراء محاکم بین‌المللی.
۱۳. برگزاری همایش‌ها و یادبودهایی به منظور گرامیداشت یاد و خاطره شهدای کودک دانش آموز در سالگرد حملات عراق و پرداختن به آن از طریق رسانه‌های عمومی، چرا که مطابق با فرمایش مقام معظم رهبری (مدظله العالی): «امروز زنده نگهداشتن یاد شهدا کمتر از خود شهادت نیست».

منابع

۱. آقایی، سید داوود. (۱۳۹۲). بررسی ابعاد حقوقی جنگ عراق علیه ایران. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس.
۲. بلیع، ناهید و دیگران. (۱۳۸۳). کنوانسیون حقوق کودک و بهره‌وری از آن در حقوق داخلی. تهران: مرکز مطالعات حقوق بشر دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۳. بیگ زاده، ابراهیم. (۱۳۸۹). حقوق سازمان‌های بین‌المللی؛ تهران: انتشارات مجد.
۴. پارسادوست، منوچهر. (۱۳۷۱). نقش سازمان ملل در جنگ ایران و عراق؛ تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. پورمحمدی، نعمت‌الل. (۱۳۹۱). حقوق بشردوستانه در جنگ ایران و عراق؛ تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۶. پیکانی، محمدحسین. (۱۳۹۱). جنگ شهرها و دفاع موشکی؛ تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۷. حسینی اکبرنژاد، حوریه؛ حسینی اکبرنژاد، هاله. (۱۳۹۲). تحلیل کنوانسیون حقوق کودک، مقایسه دو نظام اسلام و غرب؛ تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده.
۸. روسو، شارل. (۱۳۶۹). حقوق مخاصمات مسلحانه؛ ترجمه سیدعلی هنجنی، تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران.
۹. زمانی، قاسم. (۱۳۸۱). حقوق بشردوستانه بین‌المللی و اشغال سرزمین‌های ایران در جنگ تحمیلی. تهران: انتشارات نشر دانش.
۱۰. درودیان، محمد. (۱۳۷۶). بررسی علل اجتناب ناپذیری جنگ ایران و عراق. مجله سیاست دفاعی، ۱۹(۳).
۱۱. ضیائی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۷۳). حقوق جنگ. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

۱۲. ضیائی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۸۶). حقوق بین الملل عمومی. تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۳. طارم سری، مسعود؛ دیگران. (۱۳۶۶). مفهوم تجاوز در حقوق بین الملل. مجله حقوقی بین المللی، ۸(۲)، ۵-۵۲.
۱۴. طباطبایی موتمنی، منوچهر. (۱۳۷۵). آزادی های عمومی و حقوق بشر. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. علم الهدی، جمیله. (۱۳۹۱). نظریه اسلامی تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(علیه السلام).
۱۶. فتح الله، بتول. (۱۳۹۳). حقوق کودک. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
۱۷. کاظمی، جعفر. (۱۳۹۰). نیمکت های سوخته؛ جلد اول و دوم، تهران: انتشارات سوره مهر.
۱۸. لطفی، عبدالرضا و دیگران. (۱۳۸۸). اشخاص مورد حمایت در مخاصمات مسلحانه؛ جلد اول، تهران: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه.
۱۹. محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۰). حقوق بشردوستانه بین المللی. تهران: مرکز نشر علوم انسانی.
۲۰. مدنی، سیدجلال الدین. (۱۳۸۸). حقوق بین الملل عمومی و اصول روابط دول؛ جلد سوم، تهران: انتشارات پایدار.
۲۱. مصفا، نسرین. (۱۳۸۲). کنوانسیون حقوق کودک و بهره وری از آن در حقوق داخلی ایران. تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲۲. مصفا، نسرین. (۱۳۸۶). مجموعه مقالات همایش حقوق کودک، کودک و جنگ. تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲۳. مصفا، نسرین؛ داور، زهرا. (۱۳۹۱). میثاق حقوق کودک در اسلام از منظر حقوق بشردوستانه بین المللی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.
۲۴. میر محمد صادقی، حسین. (۱۳۸۸). دادگاه کیفری بین المللی؛ تهران: انتشارات دادگستر.

۲۵. نمامیان، پیمان؛ طیبی، سبحان. (۱۳۹۲). حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه. مجله دادرسی، ۹۹(۱)، ۳۹-۵۰.

۲۶. والاس، ربکا. (۱۳۸۷). حقوق بین الملل. ترجمه قاسم زمان، تهران: شهر دانش.

27. A compilation of International Instruments, volume 1, part 1. (Geneva: center for Human Rights, 1994)
28. Declaration on the Rights of the child, 1959 .
29. Protecting children in Armed conflict: Blue print for compliance, January 2004 watch list on children and Armed conflict .
30. Rousseau, ch. Droit international public, précis Dalloz, 8 ed, 1976.
31. The Universal Declaration on Human Rights, 1948. .
32. The world Declaration on the survival, protection and Development of chil dren, 1990. . UN Doc. S/RES/1261 25 Aug 1999. . UN Doc. S/RES/1379 20 Nov 2001. UN Doc. S/RES/1612 july 2005. . United Nations, CRC /C/60, 11 Novebmer 1990, Committee on the Rights of the child, forteeth Session, Geneva, 6-24, January 1991.